



حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.

پیام دکتر آرمان نوری در آستانه بازگشایی مراکز آموزشی کشور



درود بر آینده سازان میهن

آغاز سال تحصیلی امسال آغاز یک پایان خواهد بود، پایانی بر تاریکی و **سرآغاز سپیدی**. پایانی بر **سلطه شیادان** و **شیاطین مذهبی** در ایران و سرآغاز مهر و دوستی، فرزاندگی و بالندگی. **پایانی بر شکنجه** و کشتار، بی عدالتی و نابرابری، فقر و اختناق، خیانت و جنایت و سرشکستگی ملی خواهد بود. بی گمان بازگشایی مراکز آموزشی کشور در فضایی مملو از خفقان، ارباب و تهدید از طرف **حکومت جبار اسلامی** خواهد بود، چرا که حکومت **ددمنش** اسلامی با ضرب و شتم، کشتار و شکنجه و اعدام جوانان مبارز و **ایرانپرست** سعی در خنثی نمودن جنبش **سپید براندازی** دارد ولی این جنبش که هسته های آن از پیشتر در طیف دانش آموزان و دانشجویان آزادیخواه شکل گرفته است، نیروی دشمن برافکن آن روزافزون است و قابل خنثی شدن نمی باشد.

حکومت جبار اسلامی از چندی پیش **تهدید، اخراج، بازداشت و شکنجه** هزاران دانش آموز، دانشجو، معلم و استاد را

فهرست

- ۱ **پیام دکتر آرمان نوری در آستانه بازگشایی مراکز آموزشی کشور**
- ۳ **بسته تشویقی صدقه یا براندازی**
- ۴ **مهمان هفته گزارشگران: جابر کلیبی**
- ۸ **حکومت اسلامی منفورترین حکومت جهان**
- ۱۲ **اگر خمینی زنده بود؟ خردجال جنبش سبز و گروهی**
- ۱۳ **تأکید بر سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی شرط پیشروی جنبش توده ای**
- ۱۵ **سیر حوادث در ایران و امید فرصت طلبان و باز هم عوام فریبی سیاسی در خدمت رژیم**
- ۱۶ **خبرها**

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروود خواهند آورد.

من آرمان نوری رهبر جنبش سپید براندازی به این استعمارگران جنایتکار هشدار می‌دهم و می‌گویم دگر بس است و روند ضد انسانی **منافع سیاسی - اقتصادی** خود را در ایران و منطقه تغییر داده و عملکرد انسان‌گرایانه را در پیش گیرند و منافع خود را در ایجاد صلح و امنیت، مهر و دوستی و ایجاد سازندگی در ایران و منطقه جستجو کنند. این یگانه انتخابی است که منافع مشترک ملت ایران و جهان غرب حفظ خواهد شد.

فرزندان ایرانزمین، دانش آموزان و دانشجویان میهن پرست، ما سال جدید تحصیلی را با هدف **مبارزه تا براندازی** حکومت جهل و فساد و خرافات در ایران آغاز خواهیم نمود. من آرمان نوری از شما ایرانپرستان انتظار دارم که یگانه اندیشه شما جنگ با **اهرمین سفاک** حکومت اسلامی و ریشه کن ساختن آن و در نهایت نجات ایرانمان باشد.

فرزندان ایرانزمین، آینده سازان میهن اهورایی، آگاه باشید که این شما هستید که توان ساختن آینده ای سرشار از **آزادگی**، **بالندگی** و رفاه و آرامش را دارا می‌باشید و این مهم در گرو نابودی **حکومت شیاد** و ددمنش اسلامی می‌باشد.

در این سال تحصیلی، جنگ واقعی علیه **احشام مذهبی** حاکم در ایران آغاز خواهد شد و با پیوند با تاکتیک های جنبش سپید براندازی وارد کارزار خواهیم شد. **فرزندان ایرانپرست**، ما با نیروی عظیم همبستگی ملی - میهنی و شرکت آحاد ملت ایران در این خیزش، جنبش سپید براندازی را به پیش خواهیم برد و پیروزی از آن ما خواهد بود و آزادی و سرفرازی را به مام میهن هدیه خواهیم نمود.

فرزندان ایرانزمین، دانش آموزان و دانشجویان عزیز با اطمینان می‌گویم که نسل شما **نسل فرهیخته**، مبارز و آزادیخواهی است که برای رسیدن به آرمان های خویش مبارزه تا براندازی را همراه با سازمان پارسی و شورای براندازی ادامه خواهد داد و در فردای **رهایی میهن** از شر شیادان و شیاطین مذهبی، سازندگی ایران اهورایی را در دست خواهد گرفت. پس از براندازی با یاری شما عزیزان دولت موقت ملی - میهنی به رهبری شورای براندازی و شخص من با رعایت پیش نویس قانون اساسی شورای براندازی، اداره کشور را تا ایجاد امنیت، رفاندوم و **انتخابات آزاد** و در نهایت ایجاد **دولت منتخب مردم**، عهده دار خواهد بود.

پاینده ایران

نابود باد دشمنان ایرانزمین

مهرماه ۳۷۴۷ جمشیدی

در مسیر **خنثی** نمودن **جنبش سپید براندازی** افزایش داده است و گمان می‌برد که این عمل باعث سرکوب جنبش آزادیخواهانه و برانداز ملت ایران خواهد شد. ولی امسال ۲۰ میلیون دانشجو و دانش آموز در مسیر جنبش سپید براندازی بپا خواهند خواست و این بار این **دجالان** و **منفوران** حکومت اسلامی، به زباله دان تاریخ فرستاده خواهند شد.

کشور اهورایی ما در طی تاریخ، فرازها و نشیب هایی را پشت سر نموده است و هر بار فرزندان مبارز ایرانزمین **قهرمانانه** در ستیز با دشمنان این مرز پرگهر پیروز گشته و میهن اهورایی مان را از نشیب به فرازی پرافتخار رسانیده اند. اکنون مام میهن در **نشیب** سیه گونه و عمیقی غوطه ور است و زوال فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی و در کل **نابودی ایران و ایرانی** هویدا می‌باشد.

فرزندان ایرانزمین، دانش آموزان و دانشجویان عزیز، آینده سازان میهن اهورایی، امسال با همیاری یکدگر و پیروی از تاکتیک های **شورای براندازی** خیزش نهایی ملی - میهنی را سامان خواهیم داد و در این روند، رنگ سبز اسلامی که حامی استمرار حکومت جبار اسلامی است را به زباله دان افکنده و هیچ گونه پیروی از رهبران آن نکرده که این نیرنگی بیش نیست و رنگ سپید براندازی که نمایانگر **اصالت ایرانی** می‌باشد را برگزیده و جنبش سپید براندازی را به پیروزی رسانیم.

من آرمان نوری در روند این **خیزش و جنبش دشمن** برافکن سپید از همه آحاد مردم ایران از جمله کارگران، کارمندان، اصناف، کشاورزان و به خصوص **نیروهای مسلح ملی** ایران انتظار دارم که در یک صف فشرده در کنار دانشجویان و دانش آموزان قرار گرفته و چنان نیروی عظیمی فراهم آورند که اهریمنان ضد ایران و ایرانی، این حکومت شیادان و **شیاطین جبار** اسلامی توان مقابله با آن را نیاورند. تجربه ثابت نموده که ائتلاف منحوس رفسنجانی، مجاهدین خلق و رضا پهلوی در مسیر حمایت از به اصطلاح **جنبش سبز موسوی** که خود او یکی از جنایتکاران حکومت ددمنش اسلامی می‌باشد، برای شناسایی و **خنثی نمودن** میهن پرستان صورت گرفته است و در این مسیر، استمرار حکومت دست نشانده اجنبیان با حمایت استعمارگران آمریکایی و انگلیسی و اروپایی، هدف نهایی می‌باشد.

استعمارگران با به قدرت رساندن این **احشام مذهبی** و استمرار آنان **سرمایه و ثروت ملی** را به یغما برده و می‌برند و در این مقصد شوم از مردم شریف و آزادیخواه ایرانزمین قربانی می‌گیرند.

ندارد، هنوز **افکار فلج کننده** امپریالیسم جهانی همانند گذشته از سرشان بدور نشده و از **دغدغه های صلیبی** نجات نیافته اند.

بیاد بیاوریم که در زمان **ملی شدن نفت** به هنگامی که در مذاکرات تحمیلی به گل فرو رفته بودند هریمین نماینده پرزیدنت ترومن و استوکس نماینده انگلیس پس از عدم موفقیت در مذاکرات تهران به آبادان رفتند و استوکس نظر داشت ایرانیان شرکت نفت را اخراج کند و کارگران فریاد می زدند « مستر استوکس چی شما لازم؟ این همه هی بیا برو لازم؟ »

در مسیر حرکت هیئت اعزامی ماشین اسکورت از اتومبیل **کنسول انگلیس** سبقت می گیرد حضرت کنسول بی خبر از اوضاع سخت برآشفته و نامه ای اعتراض آمیز به فرماندار می نگارد که چطور پلیس به خود اجازه داد از اتومبیل نماینده دولت فخریه اعلیحضرت سبقت گیرد خواستار آموزش و پوزش خواهی می شود، وزارت خارجه ایران بلافاصله کنسول هنوز مستعمرچی را **اخراج** می نماید.

وزیر خارجه انگلیس **جنبش ملی ایران** را « جنبش یک مشت قومی نادان علیه نیروهای متمدن ما » تعبیر نمود و لرد اول وزارت در یاداری گفت با زدن یک **ضربه نظامی** شجاعانه ثابت خواهیم کرد که دولت فخریه اعلیحضرت **فشارهای توهین آمیز** جوجه ایرانیان تازه سر از تخم در آورده را تحمل نخواهد کرد.

دولت فخریه اعلیحضرت درک نمی کردند « آن همه را لولو برد » و به **سیطره قدرت** و فرمانروایی آنان پس از دو قرن در ایران مهر پایان زده شد و این بار این بره است که گرگ را می درد.

در آن زمان هم پیشنهاد کردند **بسته تشویقی** به ایران می دهند به شرط اینکه قرارداد **۲۹ آوریل ۱۹۳۳** که برای مدت ۶۰ سال یعنی تا ۱۹۹۳ می باشد به قدرت خود باقی بماند.

آیدن که زبان فارسی را به خوبی یاد گرفته بود و می گفت زبان شیرین فارسی « زبان ایتالیایی مشرق زمین » است در برابر **مقاومت ایران** سخت برآشفته و چرچیل ۷۷ ساله که انتخابات را برده بود با روی کار آمدن آیزنهاور ۱۹۵۳ او را برخلاف ترومن که زیر بار نمی رفت قانع کرد که کودتای ۱۹۵۳ را براه بیندازند و توانستند برای مدت ۲۵ سال قرارداد **کنسرسیونم** را به ایران تحمیل کنند که پیامدهای غم انگیز به مدت ربع قرن دامنگیر ما شد.

حالا هم باز با همان **افکار قرن نوزدهمی** بسته تشویقی صدقه می دهند تا رژیم مذهبی برپا بماند.

در جنبش مشروطیت **انگلستان** تلاش نمود که قدرت سنتی **عمامه داران** را رسمیت بدهد و موفق شدند در قانون

بسته تشویقی صدقه یا براندازی



کشورهای ۵+۱ و گروه بیست **قدرت مالی جهانی** همراه دست نشانندگان دیگر خود به ایران پیشنهاد می کنند بیاید **بسته تشویقی** ما را بپذیرید، این صدقه غرب را قبول کنید، ما بشما ترحم می کنیم همانند **ذکات اسلامی** به شما نقل و نبات خواهیم داد، اگر بپذیرتید

شما را در جمع جامعه جهانی می پذیریم و در قدرت باقی خواهید ماند و رژیم به اصطلاح « جمهوری اسلامی » در صحنه بین المللی حضور خواهد داشت. منظورشان به حاشیه راندن **براندازی و سرتنگونی رژیم مذهبی** است که این برخلاف آرمان ملت ایران می باشد.

نمی دانند که لااقل از نظر مردم ایران زمان برای **مذهبیون اسلامی** ایست کرده و دادخواهی شوربختانه ستمدیده های ایرانی رهایی از حکومت انکیزیسیونی قرون وسطی است.

زنگ خطر از همه طرف به صدا درآمده، رهبر مذهبی در برابر فرهنگیان **اشتباه مرگباری** را مرتکب شده زیرا با عیان بودن دم خروس از زیر قیابیش جام زهر را سرکشیده و رنگ عوض کرده و آنچه را همگان می دانند و بارها هم تکرار کرده بود انکار نمود و فردای آن روز **رئیس جمهور منتخب** او در سخنرانی از واژه هایی سود برد که برای دشمنانش گزنده و برای تحسین کنندگانش شادی افزاست و نمی خواهند بپذیرند خوب یا بد چه خواهند و چه نخواهند ایران باز به **صحنه جهانی** فراجهییده و تاریخ منطقه و جهان را دوباره شکل می دهد.

اسب خودشان را سوارند و در یک پاشنه می گردد که ایران باید از حقی که دیگران برخوردارند چشم پوشی کند چون هنوز صاحب آنانند که صاحب اختیارند.

کشورها می توانند از **انرژی اتمی** استفاده کنند ولی اورنیوم غنی شده را با **بهایی گراف** از آنان باید بخرند تا هروقت سیاست و منافع آنها ایجاب کرد از تحویل آن خودداری کرده و کشور را به زانو درآورند.

این بی خبری دنیای غرب از **شور ناسیونالیستی** ملت ستمدیده ایران و عمق جنبش مردم که به ستوه آمده اند تازگی

مهمان هفته گزارشگران: جابر کلیبی



GOZAREHGAR

GOZAREHGAR.COM



جابر گرمی درود و خوش

آمدی

س : بخش مهمان هفته

گزارشگران بهانه ای شد برای تازه

کردن دیدارها با **فعالین سیاسی**

اجتماعی و به خصوص جامعه در

تبعید از جمله خودت که چند دهه

تلخ و شیرین تبعید را از نزدیک لمس

کرده ای، اگر مایلی از خودت بگو و اینکه چه مدت در خارج از

کشور هستی و چه می کنی

ج : بهروز عزیز سپاس از وقتی که به من داده ای تا در

مورد مسائل مهم سیاسی که امروز چه بخواهیم و چه نخواهیم

جلوی پای همه فعالان سیاسی **کمونیست** و **چپ** قرار دارد، گپی

بزنیم.

از زمانی که برای بار دوم به خارج آمدم، و این بار از روی

ناچاری، نزدیک به ۲۶ سال می گذرد. بار اول که برای تحصیل به

خارج آمدم، سال ۱۹۶۰ بود. سالی که در آن **کنفدراسیون جهانی****دانشجویان ایرانی** در حال شکل گرفتن بود و من همراه با

بسیاری از فعالان سیاسی آن دوران، در این روند کوشیده ایم. به

دلیل فعالیت های سیاسی و مسئولیت های مختلف در

کنفدراسیون، رژیم شاه پاسپورت دانشجویی مرا تمدید نکرد و در

نتیجه **پناهنده سیاسی** در آلمان، که مرکز فعالیت های

کنفدراسیون بود، شدم. در آن دوران تعداد پناهندگان سیاسی در

اروپا انگشت شمار بود. از این پس از پایان تحصیل در رشته علوم

سیاسی، در کشور آلمان ماندم. در سال ۱۹۷۹، در جریان جنبش

وسیع مردم ایران که منجر به راندن شاه از ایران و **لغو سلطنت**

شد، به ایران بازگشتم و در سیر سریع حوادث سیاسی پس از به

قدرت خیزدن جماعت اسلامی، از همان آغاز **حاکمیت جدید** را**ضد مردمی** دانستم و در جهت **سرنوشتی انقلابی** آن همراه با

رفقای دیگر، به فعالیت پرداختم.

آنچه که سالهاست، به اتفاق رفیقم **پروانه قاسمی** به

عنوان فعالان کمونیست انترناسیونالیست در پی انجام آن هستیم،

اساسی به ۵ دستاربر **حق و تو** در همه قوانینی مجلس را بدهند. حالا هم باز رسانه های جهانی اعلامیه و فتوای عمامه بسرها را با بلندگوهای خود در جهانی پخش می کنند یعنی آنانند که باید **حرف آخر** را بزنند.

ستون پنجم دشمنان ایران هم **رنگ سبز اسلام** ناب محمدی را بدور خود پیچیده و خیال پردازی می کنند این بیهوده باوران که نوستالژی گذشته را برای سوار شدن مجدد آرزو می کنند دمع شدند زیرا ندای مردم **مرگ بر دیکتاتور** بود که گذشته و حال را بهم پیوند می داد و نمی فهمند فانتزی کودکانه را باید کنار گذاشت و با زمان و تاریخ باید گام برداشت.

ولیعهد سابق خمینی که قرار بود جانشین او شود و خود از پایه گذاران رژیم مذهبی است و حالا در قم خانه نشین شده در سال ۱۹۷۹ وقتی روزنامه لوموند درباره قانون اساسی و حقوق بشر از او پرسش نمود پاسخ داد در اسلام جرائمی هست که باید **حد** زده شود و رژیم ما هم اسلامی است. حالا که از گردونه خارج شده اعلام می دارد این رژیم نه جمهوری است و نه اسلامی و رسانه های فارسی زبان هم او را « حضرت آیت الله عظمی » لقب می دهند که بقبولانندش.

به هنگامی که قدرت و توان **آریامهر** پاشید و رو به فتور نهاد همین ولیعهد خمینی حماسه شتابان به آغوش مرگ رفتن حسین را در صحرای کربلا برای **برپایی انقلاب** اعلام می نمود می خواهند به صحنه بیاید تا کربلای دیگری برپا کند.

پس از به کرسی نشاندن رژیم اسلام ناب محمدی در روزنامه کتدین پاریس طی مقاله مفصلی با دلایل کافی مطرح کردم که رژیم ایران **نه جمهوری** است **نه اسلامی** و در تاریخ اوت ۱۹۹۲ در جلسه حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو به عنوان **مسئول کابینه بحران ایران** در خارج از کشور موارد متعدد پیمالی حقوق بشر را طی سخنرانی مفصل بیان نمودم که در خاتمه جلسه به محکوم کردن رژیم ایران برای **نقض حقوق بشر** رأی داده شد.

حالا ولیعهد سابق خمینی که سرحلقه زنجیر ستمکاران و ظالمان رژیم است بیدار شده و رسانه های گروهی داخلی و خارجی باد به بادش می دهند، غافل از اینکه تنها واژه برانگیزاننده برای مردم ایران **حکومت دموکراسی غیرمذهبی** و جدا از عمامه داران است که خریدار دارد و بس.

سرهنگ دکتر عقیلی پور

پاریس سپتامبر ۲۰۰۹

سوابقی چند دارد. از جمله **کشتار زندانیان سیاسی** و گورهای جمعی در سال ۶۷ و یا بهتر بگوئیم دهه شصت که خودت در جریان ماقع هستی ... چه تفاوت‌هایی میان **عملکرد رژیم** در دهه شصت و کشتارهای جمعی آن مقطع با شرایط کنونی موجود است و ارزیابی آن از موقعیت سیاسی رژیم در حال حاضر کدام است؟

ج: کشتار، شکنجه، تجاوز جنسی و ... نسبت به نیروهای انقلابی، دگر اندیشان، **مخالفان سیاسی**، ملیت‌ها و خلاصه هر جنبنده‌ای که به نوعی خطری پتانسیل برای **حاکمیت اسلامی** محسوب می‌شود، از همان آغاز جمهوری اسلامی در صدر برنامه‌های رژیم قرار داشته. زیرا این رژیم که محصول شکست انقلاب سال ۵۷ است، به عنوان یک ضد انقلاب‌ها و سازمان یافته، در جامعه‌ای که یک **جنبش وسیع توده‌ای** که رژیم حاکم را درهم پاشیده بود و می‌رفت تا به یک انقلاب اجتماعی تبدیل شود را، دیده است، از این رو برای حفظ و ادامه **نظام سرمایه داری**، این بار در پوشش اسلامی، راه دیگری جز **سرکوب خشن** مخالفان ندارد. طبعاً **ترور و خفقان** به موازات رشد تضادهای جامعه و توسعه و تعمیق جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی و نارضایی‌ها در جامعه، شدت وحدت یافته و امروز که ما شاهد ابعاد وسیع اجتماعی آن هستیم، معنای آن این است که رژیم در منتهای انفراد قرار دارد و **نفرت عمومی** نسبت به آن تبدیل به مسأله‌ای اجتماعی شده است. ابعاد مخالفت با جنایات رژیم تا به آنجاست که حتی کسانی که خود در **کشتار و سرکوب** مردم در گذشته نقش تعیین کننده‌ای داشتند، مثل کروبی، موسوی، خاتمی و ... حال که قربانی نظامی شده‌اند که خود در ایجاد آن نقش تعیین کننده‌ای داشته‌اند، فریاد برداشته‌اند. این مسأله در عین حال نشان می‌دهد که جناح‌هایی از رژیم دریافته‌اند که دیگر امیدی به **نجات رژیم** نیست و می‌کوشند تنها با اعتراض به آنچه پس از انتخابات، در **تظاهرات** بر سر مردم آمده است، خود را از خامنه‌ای و احمدی نژاد جدا کنند.

در واقع، تفاوت ماهوی میان **عملکرد رژیم** در دهه ۶۰ (کشتارهای دسته جمعی زندانیان سیاسی) با شرایط کنونی وجود ندارد. شکنجه، کشتار، تجاوز به زن و مرد و ... همه این اعمال بربر منشانه همواره بخش مهمی از پراتیک **رژیم برای سرکوب مخالفان** بوده است. منتها اگر در آن دوران سرکوب افسار گسیخته بطور متمرکز، بیشتر علیه **نیروهای کمونیست**، چپ و ... اعمال می‌شد، اینک همان سرکوب، البته با ابعاد وسیعتر و **سیمای خشن تر**، علیه جنبش‌های اجتماعی و هرگونه مخالفت و

علاوه بر فعالیت در جنبش‌های مختلف سیاسی علیه جمهوری اسلامی، بطور عمده با جریان‌های بین‌المللی سوسیالیستی همکاری سیاسی و عملی می‌کنیم، زیرا بر این باوریم که **مبارزه** برای **سوسیالیسم** در ایران جدا از مبارزه ضد سرمایه داری در مقیاس جهانی نیست. کوشش عمده ما در شرایط کنونی پژوهش در مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تحلیل در زمینه تاریخ **جنبش کمونیستی و کارگری** است که محصول آن مقاله‌ها و کتاب «**تحولات دوران ما، مبارزه طبقاتی و چشم انداز سوسیالیستی**» می‌باشد. علاوه بر این در حال تدوین تاریخ سیاسی کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی در دوران **دیکتاتوری شاه** هستیم. زیرا به باور من آنچه در این زمینه تحت عنوان تاریخ این سازمان انتشار یافته است، بیشتر واقعه نگاری، آنهم بطور ناقص و با انتخاب فاکتورهای دلخواه بوده است. با این همه و علیرغم اشکالات فراوانی که به این آثار وارد است، نمی‌توان کوشش‌های انتشار دهندگان آن را ارج ننهاده.

س: همانطور که از نزدیک در جریان هستی برآمد گسترده **اعتراضات** در داخل کشور تأثیرات آشکاری نیز در جامعه ایرانیان خارج از کشور و بویژه **تبعیدیان** بجا گذاشته است. این **تغییرات** را چگونه می‌بینی؟

ج: این تغییرات در **دو قطب ماهیتاً متضاد** جریان دارد. یکی قطب نیروها و جریان‌های **بورژوازی** است که در چارچوب جناح بندی‌های خود رژیم است و دیگری نیروهای متعلق به جنبش چپ، بطور عمده **کمونیستی**! البته طبق معمول، در میان قطب دوم، هستند جریاناتی که گوشه چشمی به جریانات بورژوازی دارند. بباور من شدت مبارزه طبقاتی در ایران بار دیگر، جابجایی‌هایی در **طیف چپ** را موجب خواهد شد و افراد و جریانات بینابینی در این طیف را به جایگاه طبقاتی واقعی شان پرتاب خواهد کرد. در مقابل اما، با روشن تر شدن ماهیت ارتجاعی «**جنبش سبز**»، شرایط و تناسب نیرو به سود آلترناتیو انقلابی، یعنی مبارزه علیه **تمامیت رژیم اسلامی**، تغییر خواهد یافت. باید تأکید کنم هنگامی که طبقه کارگر، به عنوان طبقه وارد مبارزه اجتماعی شود آنوقت معادلات کنونی بکلی تغییر خواهند یافت و زمینه مادی و عملی آلترناتیو انقلابی (سوسیالیستی) نیز فراهمتر می‌شود.

س: کشتار انسانها در اشکال بسیار متنوع آن از سوی جمهوری اسلامی از جمله خواص **استبداد حاکم** است. در چند روز اخیر شاهد افشاگری‌های بسیار درباره کشتارهای جمعی و دفن جمعی اجساد کشته شدگان از سوی رژیم بوده ایم که

(جنبش ضد جنگ و ...). نسبت به ماهیت و عملکرد رژیم شده، باعث جا انداختن شعار **دفاع از مبارزات** مردم ایران به جای دفاع از جمهوری اسلامی، در مقابل آمریکا و ... گردید. اهمیت این مسأله در این است که از مبارزات مردم تنها در مقابل امریکا حمایت نمی شود بلکه در عین حال از مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی نیز دفاع می شود.

برای تدارک جلسه ای که از آن در بالا سخن گفتیم و در تاریخ جمعه ۴ سپتامبر ساعت ۷ بعد از ظهر در کتابخانه نورمان بتیون، در شهر مونترال کانادا برگزار خواهد شد، نشریه پرچم سرخ که توسط دفتر اطلاعات سیاسی حزب کمونیست انقلابی کانادا منتشر می شود، مصاحبه مفصلی تحت عنوان « **انقلابی که به آن خیانت شد** »، در مورد چگونگی به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و اوضاع اخیر ایران بطور کلی و نیز کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ انجام داده که در آخرین شماره آن انتشار یافته است.

س : جمع بندی شما از دو دهه برگزاری مراسم مختلف و گردهمایی ها برای یادبود **قتل عام شدگان** در دهه شصت توسط تبعیدیان کدام است؟

ج : سؤال به جایی است. به باور من و نیز آنچه که تجربه چندین سال برگزاری جلسات و سمینارها در این زمینه نشان می دهد، کارنامه چندان **رضایت بخشی** در این زمینه نیست. در این شکی نیست که افشاگری های مهمی در زمینه زندان و زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی، بویژه کشتارهای دهه ۶۰، چه از طریق انتشار مطالبی توسط جان بدر بردگان که بعضاً به زبان های خارجی نیز ترجمه شده و چه فعالیت هایی که در این زمینه انجام گرفته است. با این همه این مسئله در میان ایرانیها باقی مانده و این کوشش ها هیچگاه به **جنبشی علیه رژیم** تبدیل نشده است. البته برخی جریانات از قبیل « **گفتگوهای زندان** » که در واقع خود از زندانیان سابق هستند، با انتشار اسناد و مدارک و خاطرات افشاء کننده، در این راه کوشیده اند، ولی این فعالیت ها تاکنون تبدیل به یک روند سیاسی منسجم علیه رژیم نشده است. دلیل آن را باید در این جستجو نمود که محدوده زندان و زندانی محور اصلی این فعالیت ها بوده در حالی که زندان و زندانی بخشی از یک **نظام استبدادی اند** که از همه اینها باید به سود مبارزه انقلابی علیه آن استفاده کرد. بسیاری از فعالیت ها که در زمینه زندان و زندانی سیاسی انجام می شود، **فاقد مرزبندی سیاسی** میان عناصر تشکیل دهنده آن است. وجود چنین **تناقضات** و ناهمگونی هایی در میان این عناصر، مانع اصلی برون

اعتراض بطور کلی، اعمال می شود. ضمناً فراموش نکنیم که پخش **گسترده اخبار** توسط مردم و ارسال تصاویر فجیع از کشتارها به خارج، که تاکنون در ایران بی سابقه بوده، کمک زیادی به روشن شدن ابعاد وحشتناک **ترور و خفقان** کرده است. سازمان دهندگان تظاهرات پس از انتخابات، جز اعتراض به **تقلباتی** که در انتخابات انجام گرفته بود و تجدید انتخابات، چیز دیگری نمی خواستند ولی پاسخ **دستگاه سرکوب** چنان وسیع، شدید و دیوانه وار بود که تمام جامعه را در مقابل رژیم قرار داد.

س : چه برنامه هائی را برای یادبود **زندانیان قتل عام شده** در **دهه شصت** در پیش دارید؟

ج : امسال برخلاف سالهای گذشته و درست در نتیجه تجربیاتی که طی سال ها برگزاری یادمان قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰ بدست آمده، تصمیم گرفتیم که این مسأله را از محدوده ایرانی به **افکار عمومی** خارجی ببریم. از این رو، شاید هم برای اولین بار در تاریخ برگزاری چنین یادمانی، یک نیروی انقلابی خارجی (**حزب کمونیست** انقلابی کانادا) ابتکار عمل را به دست گرفته و از ما دعوت کرده تا در این جلسه که به زبان فرانسه جریان خواهد یافت، شرکت کنیم. البته خود این که این نیرو چنین ابتکاری را بدست گرفته، خود محصول فعالیت هایی است که ما طی این مدت در میان **نیروهای خارجی** داشته ایم. ما همواره و در هرکجا که بوده ایم، کوشیده ایم تا مسایل ایران و جنبش های اجتماعی را به میان **افکار عمومی** ببریم. در کانادا نیز از همان ابتدا از طرق مصاحبه های رادیویی با رادیوهای مترقی مستقل محل، انتشار تخیل ها و اعلامیه ها به زبان های فرانسوی و انگلیسی و از همه مهمتر، شرکت مستقیم در **مبارزات اجتماعی** کشور محل سکونت مان داشته ایم که همه اینها باعث شده تا مسایل ایران تا حدودی به میان جنبش های اجتماعی، منتقل گردد. این را من طی سال ها فعالیت در دبیرخانه کنفدراسیون جهانی دانشجویان، فرا گرفته بودم که بدون شرکت مستقیم در مبارزات اجتماعی محل سکونت، جا انداختن مسایل مبارزه در ایران، در میان **افکار عمومی** امکان پذیر نیست. بدین سان بود که کنفدراسیون دانشجویان در سالهای ۶۰ و ۷۰ میلادی توانست مسایل ایران را بخشی از مسائل عمومی مبارزه **نیروهای مترقی** در کشورهای مختلف جهان سازد.

می دانیم که در میان برخی نیروهای چپ خارجی توهم در مورد جمهوری اسلامی وجود دارد و آنها معتقدند که این رژیم « **ضد امپریالیسم** » است! از این رو، از رژیم اسلامی در زمینه هایی به دفاع می پردازند. روشننگری هایی که در میان این نیروها

است. عناوین **سرنگونی طلب** و **ساختارشکن** و غیره را نیز عنوان کرده اند. از جمله تلاشهای آنان نیز مسکوت گذاشتن قتل عام سراسری زندانیان سیاسی در دهه شصت است. این منش سیاسی را چگونه ارزیابی می کنی و علل آن کدامند؟ آیا این نظریه درست است که همه راهها به **خاوران** ختم می شود؟ و بدون آشکار کردن همه زوایای جنایات دهه شصت و دادخواهی از قتل عام شدگان هیچ **تغییری بنیادین** صورت نمی پذیرد.

ج : سردمداران « **جنبش سبز** » به خوبی می دانند که هر **تغییر اساسی** که در نظام حاکم انجام پذیرد، شامل حال خود آنها، به عنوان **بخشی از نظام** نیز خواهد شد. پرسیدنی است : همه این افراد که امروز مخالف احمدی نژادند، چه آلترناتیو دیگری جز جمهوری اسلامی، قانون اساسی ارتجاعی و ارگانهای سرکوب آن دارند؟ بنابراین طبیعی است که برای مهار کردن جنبش و جلوگیری از خطری که ممکن است تمامیت رژیم را تهدید کند، دست به هر اقدامی، از جمله توسل به پلیس **کشورهای امپریالیستی** برای خفه کردن صدای مخالفانی که خواستار سرنگونی نظام ظلم و ستم اسلامی اند، بزنند. تصاویر ویدئویی گویایی در این مورد روی یوتوب آمده تحت عنوان « یک بسیجی در ... » کشورهای مختلف. البته بسیاری افراد ساده لوح که می پنداشتند **جماعت سبز پوش**، حداقل در خارج رعایت برخی اصول ابتدایی دموکراتیک را خواهند کرد و کوشیدند در این تظاهرات و متینگها نظر دیگری جز آنچه دیکته کرده اند، بدهند، طعم این خوش باوری خود را چشیدند. براحتی می توان تصور نمود خانم ها و آقایانی که از پلیس امپریالیستی می خواهند تا جلوی این یا آن فرد، این یا آن شعار را بگیرد، اگر در ایران می بودند چه اقدامی جز آنچه دستگاه **ترور و خفقان** جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات مردم کرد، انجام می دادند؟ بنابراین چه توقعی از آقای **موسوی** که خود نخست وزیر دولتی بود که در سال های ۶۰، هزاران زندانی در سراسر کشور را قتل عام نمود، می توان داشت؟

در مورد خاوران باید تأکید نمود که این جنایت بزرگ تاریخی **لکه ننگ** پاک نشدنی بر دامان همه جناح های رژیم و پاشنه آشیل آنست. این جنایت ددمنشانه تنها با قتل عام هایی که توسط رژیم های **فاشیستی** و نازی های آلمان در کوره های آدم سوزی انجام گرفته، قابل مقایسه است. همه خصلت های **ضد مردمی، ارتجاعی و ددمنشانه** نظام جمهوری اسلامی در این رخداد جمع است و به درستی **اهرم مطمئنی** در سرنگونی جمهوری اسلامی است. درست به همین دلیل است که وابستگان

رفت از **محدوده زندان و زندانی** شده و از تبدیل آن به یک جریان سیاسی علیه رژیم جلوگیری کرده است. زیرا به مجرد این که چنین روندی در پیش گرفته شود، **اتحادهای ظاهری** که بر اساس زندانی بودن انجام گرفته، در هم خواهد ریخت.

از جانب دیگر، در یکی دو سال اخیر که برخی از طرفداران **اصلاح طلب** در خارج از کشور نیز بیاد کشتار زندانیان سیاسی افتاده اند و نیز کسانی که به ایران رفت و آمد دارند، در این زمینه فعال شده اند، **کیفیت سیاسی** این رخداد تاریخی و اجتماعی **تنزل** یافته است. به این معنا که این رخداد مهم سیاسی و تاریخی را تبدیل به موضوع بحث و تحقیق در سمینارها کرده و عملاً از **جنبه مبارزاتی** آن کاسته اند. در این که در زمینه **جنایت** های جمهوری اسلامی به دلیل ابعاد وسیع و کیفیت **وحشتناک** آن، تا زمانی که این رژیم برجاست، همواره باید به تحقیق و بررسی پرداخت، حرفی نیست و این را می توان و باید طی یک برنامه دراز مدت مورد توجه قرار داد. ولی تبدیل یادمان کشتار زندانیان سیاسی صرفاً به سمینار بحث و گفتگو، چه بخواهیم و چه نخواهیم **مضمون مبارزاتی** آن را **مخدوش** می کند. در حالی که یادمان کشتار زندانیان سیاسی به خوبی می تواند زمینه بسیار خوبی برای مبارزه جدی علیه جمهوری اسلامی گردد و با تظاهرات و اکسیون های مختلف آن را به یک روز نبرد همه جانبه علیه **جمهوری اسلامی** تبدیل نمود. تأثیر اجتماعی چنین فعالیت هایی البته بیشتر از بحث و گفتگو در میان ایرانیان و در سالن های سمینار است. این به هیچ وجه تصادفی نیست که اغلب سازمان دهندگان چنین سمینارهایی در مونترال، امروز زیر **پرچم سبز محمدی** سینه می زنند و مدافع کسانی از قبیل موسوی شده اند که خود به عنوان نخست وزیر دوران کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰، نقش مستقیمی در این کشتارها داشته است. این افراد و جریانات از سازماندهندگان گسیل اشخاص به سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا، برای شرکت در انتخابات کذایی بودند و بنابراین **ماهیت سیاسی** آنها به خوبی افشاء شده بود (اعلامیه اتحاد سوسیالیستی ایرانیان- مونترال تحت عنوان : « چرا در مونترال دو یادمان کشتار زندانیان سیاسی برگزار می شود »). امسال نیز برخی از سازمان دهندگان سمینار سه روزه در مونترال، سمیناری با همان محتوای سال گذشته، در این شهر به مناسبت **کشتار زندانیان سیاسی** برگزار می کنند.

س : **جنبش رفورم** که به سبز هم منسوب شده است همواره خط قرمزهایی را برای **جامعه تبعیدی** و آنان که حضور جمهوری اسلامی را در کلیت آن **غیرضروری** می دانند کشیده

حکومت اسلامی منفورترین حکومت جهان!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu



کارگران، مردم آزاده و همه نیروهای آگاه جامعه ایران، سی سال است بر علیه حکومت جهل و جنایت اسلامی مبارزه می کنند. اما در سه ماه اخیر این مبارزه به حدی به اوج خود رسید که میلیون ها نفر از شهروندان ایرانی در خیابان ها با

شعارهایی هم چون « مرگ بر دیکتاتور »، « زندانی سیاسی آزاد باید گردد » و ... با انتشار هزاران فیلم و گزارش و خبرهای لحظه به لحظه ای که از صحنه های مبارزه خود گرفته بودند و از طریق سایت های اینترنتی، فیس بوک، یوتوب، رادیو، تلویزیون و غیره منتشر شد، عمیقاً افکار عمومی مردم جهان را تحت تأثیر قرار دادند.

امروز به دلیل این که کشتن تظاهرکنندگان در خیابانها، گرفتن اقرار دروغین از زندانیان در زیر شکنجه، تجاوز به زندانیان و حتی کشتن آنها در زیر شکنجه توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به گوش مردم جهان نیز رسیده است، بیش از هر زمان دیگری این حکومت، منفورترین حکومت جهان محسوب می شود. اکنون علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، احمدی نژاد رئیس جمهوری این حکومت و دیگر سران و مسئولین آن با همه ارگان هایشان از قوه قضائیه تا سپاه پاسداران، از لباس شخصی ها تا نیروهای بسیج و غیره به دلیل جنایت علیه بشریت، آن چنان رسوا شده اند که حتی در اظهارنظرهای خود نیز دچار جنون شده اند.

خامنه ای و احمدی نژاد، نه تنها در آدمکشی، بلکه در دروغگویی و کلاهبرداری نیز مهارت فوق العاده ای دارند! آنها، با بی شرمی روز روشن را سیاه و سیاهی شب را روشنایی می نامند. برای نمونه احمدی نژاد در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۸۸ - ۲۸ اوت ۲۰۰۹، در نماز جمعه تهران گفت: « همه می دانند در ایران انتخابات یک امر اصیل است، برخلاف دموکراسی های رایج دنیا که یک نمایش و یک طراحی از پیش تعیین شده است.؟! »

وی، در ادامه هذیان گویی های خود، بی شرمانه ادعا کرد: « به عنوان یک فرد مطلع می گویم آنچه در کوی دانشگاه و برخی بازداشتگاه ها انجام شد اجزای دیگری از سناریوی دشمن و

به جناح هایی از رژیم با طرح آن در زوایای هنری، تحقیقی، در جهت زدودن جنبه های سیاسی قوی آن هستند.

س : آیا با توجه به نزدیک شدن یاد روزهای قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ پیمای برای خوانندگان سایت دارید؟

ج : به همه دوستان و رفقای که صادقانه، صمیمانه و با هدف مبارزه برای سرنوشتی کامل نظام جنایت و ترور جمهوری اسلامی در تدارک برگزاری جلسات و فعالیت هایی در این زمینه هستند، درود می فرستم و برای آنها در مبارزه علیه رژیم اسلامی، آرزوی موفقیت بیشتر دارم. از این واقعیت باید خوشحال بود که امروز جبهه فعالیت در زمینه افشای این جنایت تاریخی رژیم وسیعتر شده و چه بسا افراد و جریاناتی که تا یکی دو سال پیش نه تنها توجهی به این مسأله نداشتند بلکه به نوعی آن را « غلو » از طرف نیروهای چپ و کمونیست قلمداد می کردند، اینک در این راستا فعال شده اند. با این همه تجربه یکی دو سال گذشته نشان داده است که فعال شدن برخی افراد و جریانات طرفدار اصلاح طلبان حکومتی و طرفداران آنها در این زمینه دلایل معینی دارد که با اهداف و مقاصد ضد رژیمی نیروهای مبارز متفاوت است. هدف اساسی آنها رقابت با جریانات چپ و بیرون کشیدن این مسأله از دست نیروهای انقلابی و لوٹ کردن محتوای سیاسی و مضمون مبارزاتی آنست. از این رو باید هشیار بود تا نتیجه این همه مبارزات و افشاگری ها لگدمال فرصت طلبان چپ نما و عناصری که هم از توبره می خوردند و هم از آخور و شما آنها را در سال های گذشته به خوبی شناخته اید، نگردد. شدت مبارزه طبقاتی، تعمیق بحران داخلی رژیم و آینده نامعلوم آن، جوی ایجاد کرده است که در پرتو آن فرصت طلبان رنگارنگ می کوشند تا مرزهای طبقاتی میان راست و چپ، انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش ساخته، خود را بار دیگر در صفوف مبارزات ضد رژیمی جا بزنند. باید بر این واقعیت پافشاری نمود که بسیاری از زندانیان سیاسی، بویژه کمونیست هایی که در سال های ۶۰ بدست رژیم قتل عام شدند، جان خود را برای تحقق سوسیالیسم و رهایی جامعه از سلطه نظام سرمایه داری گذاشتند. از این رو در هیچ شرایطی نباید گذاشت این مضمون مبارزاتی آنها فدای این یا آن تاکتیک فرصت طلبانه گردد.

ممنون از شما جابر گرامی

گزارشگران

تنی چند از بازجوها و یا مأموران زندان ها تنزل داد. سران و عناصر رده بالای حکومت اسلامی، آگاهانه و از پیش طرح ترور، سرکوب، شکنجه، سنگسار، اعدام و غیره را به تصویب می رسانند، جنبه « قانونی؟! » می دهند و سپس نیروهای سرکوبگر و وحشی خود را **مأمور اجرای آنها** می کنند.

به این ترتیب، بر خلاف ادعاهای دروغین و **کاذب** احمدی نژاد، نه تنها وی و دولتش در نزد اکثریت مردم ایران، بلکه در نزد افکار عمومی مردم جهان نیز **منفورترین** دولت هاست! فراتر از آن نیز رهبرش خامنه ای، اگر روزی خبری از **سرکوب** و **کشتار** و شکنجه و تجاوز به زندانیان و اعدام نشوند آرام نمی گیرد و تعادل خود را از دست می دهد.

محمود احمدی نژاد، روز ۲۸ مرداد فهرست ۲۱ وزیر پیشنهادی خود برای حضور در ترکیب کابینه دهم را به هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه کرد که در میان آنها تنها هفت وزیر کابینه نهم قرار دارند. به دنبال آن، چانه زنی ها و **رشوه دهی** ها به نمایندگان مجلس و به ویژه توصیه های رهبر آغاز شد.

اعتماد در رابطه با چانه زنی بر سر وزرا نوشته بود، این روزها مهمانی های محمود احمدی نژاد خلوت است و هر بار خلوت تر هم می شود. همان طور که رئیس دولت نهم تمایلی ندارد به دعوت ها پاسخ دهد، این روزها صدلی اش در بسیاری از جلسه های رسمی خالی است. در مقابل **ضیافت های پاستور** هم چندان **پررونق** نیست تا جایی که یک شنبه شب در مهمانی که قرار بود به افتخار نماینده ها ترتیب دهند تنها ۲۰ نماینده از ۲۹۰ نماینده رفتند تا ضیافت تبدیل به یک ملاقات مختصر شود. در فهرست پیشنهاد شده از سوی احمدی نژاد، تنها پنج نفر از **اعضای کابینه** دولت نهم در سمت پیشین خود ابقا شده اند. شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی، منوچهر متکی وزیر امور خارجه، حمید بهبهانی وزیر راه و ترابری، محمد عباسی وزیر تعاون و علی اکبر محرابیان وزیر صنایع و معادن، وزیرانی هستند که از سوی احمدی نژاد در پست های خود ابقاء شده اند.

دو وزیر از وزیران کابینه نهم، مصطفی محمد نجار و مسعود میرکاظمی، هم برای وزارتخانه های دیگری معرفی شده اند. محمد نجار که در دولت قبلی وزارت دفاع را در اختیار داشت به عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی شده و میرکاظمی، وزیر پیشین بازرگانی، گزینه تصدی وزارت نفت است.

وابستگی **جریان برانداز** بود. « احمدی نژاد با استناد به شواهد، دلایل و اسناد ادعایی خود تأکید کرد: ساحت نیروهای انقلاب اعم از امنیتی، نظامی انتظامی و اطلاعاتی از این **اقدامات شرم آور** مبراست. « وی گفت: « بسیجیان در خیابان ها کتک خوردند، دم برنیاورند و مراقب **حقوق عمومی** بودند تا به کسی و جایی تعرض نشود. »

عموماً دیکتاتورها در بیانات خود هم **اغراق** می کنند و هم **دروغ** می گویند و هم در اعمال قدرت خود به جامعه، به هر کاری از جمله **سرکوب** و **کشتار** برای کنترل جامعه متوسل می شوند. برخی از آدم ها و حکومت ها به دلیل این که هیچ منطقی را نمی پذیرند به دروغ گویی، **عوام فریبی** و **زور** متوسل می شوند. با اقدامات قلدرمنشانه خود زیر دست ها و شهروندان را تحت ستم و آزار مداوم قرار می دهند تا از آنها زهر چشم بگیرند و به **اطاعت کورکورانه** وادار نمایند. کنار آمدن با افراد قدرت طلب و پرخاشگر و رهایی از سلطه حکومت های **دیکتاتوری** کار مشکلی است و آنها به راحتی از سلطه خود دست بر نمی دارند. تا آن جایی که در توان دارند به زور و سرکوب و کشتار مخالفین متوسل می شوند اما قدرت آنها در مقابل **خیزش عمومی** بسیار شکننده است و دیر یا زود هم چون بادکنکی می ترکند. بنابراین، دیکتاتورهایی هم چون خامنه ای و احمدی نژاد **جنون آدمکشی** دارند.

بی جهت نیست که ۱۲۰ پزشک و روانپزشک نامه نوشته و توصیه کرده اند که از این پس مقامات و مسئولین کشور، پیش از انتصاب **از نظر روانی** مورد معاینه قرار گیرند. اتفاقاً این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی نیز منتشر شده است، در پی افشای **جنایاتی** است که در زندان ها و بازداشتگاه ها، **علیه معترضان** صورت گرفته است.

بحث تنها بر سر روانی بودن و **جنون شکنجه و تجاوز** به زندانیان و حتی کشتن آنها در زیر شکنجه توسط مسئولین بازداشتگاه ها و زندان ها، روان پریشی بازجویان و یا اختلال روانی فرماندهان نیروی انتظامی و سپاهی نیست، حتی بحث بر سر **حالات روانی و غیرعادی** احمدی نژاد و خامنه ای نیز است. اساساً چه تفاوتی هست بین آنهایی که با مسئولان و شکنجه گران در زندان و بازداشتگاه ها که به زنان و دختران و پسران جوان تجاوز می کنند و در زیر شکنجه می کشند با فرمان های خامنه ای و احمدی نژاد و غیره. تازه نقش رهبری، **سیاست های کلان** را تعیین می کند نه مأمورین و معزورین. از این رو، جنایت سران و جناح های حکومت اسلامی را نباید در حد بیماری روانی

هفتم روبرو شد. گماردن یک نظامی به وزارت نفت از یک سو می تواند بخش دیگری از این صنایع را هم چون گذشته در اختیار **سپاه** قرار دهد و از سوی دیگر، این صنعت مهم و حیاتی کشور را زیر کنترل مداوم نظامیان قرار دهد تا هرگونه اعتراض و اعتصاب کارگری را شدیداً سرکوب کنند.

پلیس بین الملل (اینترپل)، قرار داشتن نام احمد وحیدی، وزیر دفاع محمود احمدی نژاد را در فهرست افراد **تحت تعقیب** تأیید کرده است.

سرتیپ پاسدار احمد وحیدی، به اتهام شرکت در بمب گذاری در مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس، **پایتخت آرژانتین** در سال ۱۹۹۴، تحت تعقیب است و از دو سال پیش برای بازداشت او «**اعلان سرخ**» صادر شده است.

وقتی از جانب اینترپل اعلام قرمز می شود، مقامات پلیس کشورهای عضو دعوت می شوند که اگر شخص مورد نظر در حوزه آن کشورها پیدا شد، بر اساس مقررات داخلی خودشان و با روحیه همکاری او را **دستگیر** کنند و به کشوری که حکم جلب شخص را صادر کرده تحویل بدهند.

در انفجار مرکز **یهودیان** بوئنوس آیرس، ۸۵ تن کشته و حدود ۲۰۰۲ نفر نیز زخمی شدند و در آن هنگام وحیدی فرمانده نیروی قدس **سپاه پاسداران** بوده است.

قوه قضاییه آرژانتین، احمد وحیدی را متهم کرده است که در همکاری با چند تن دیگر از مقامات بلندپایه ایران، در سال ۱۹۹۴، عملیات **بمب گذاری** علیه مرکز یهودیان «**آمیا**» در بوینس آیرس را برنامه ریزی و اجرا کرده است.

به گفته آلبرتو نیسمان، دادستان آرژانتینی مسئول پرونده وحیدی، افزون بر آن که احمد وحیدی با حکم جلب از سوی دولت آرژانتین تحت **پیگرد قانونی** است، نامش در لیست پلیس بین المللی (اینترپل) نیز به چشم می خورد.

در روزهای اخیر نیز حسن فیروز آبادی، رئیس ستاد کل **نیروهای مسلح** به خبرگزاری رسمی ایرنا گفته است که سه وزیر پیشنهادی برای **وزارتخانه های اطلاعات**، کشور و دفاع مورد تأیید فرماندهان نظامی هستند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح که بارها حمایت خود از احمدی نژاد را اعلام کرده درباره سایر وزرای پیشنهادی اظهار نظر نکرده است، اما همین تأیید نیز می تواند بیانگر تلاش احمدی نژاد برای جلب نظر فرماندهان ارشد نظامی باشد.

اگر واقعاً پرونده سران و عناصر رده بالای **حکومت اسلامی** باز شود، شاید کم تر کسی در میان آنها بتوان پیدا کرد که در

مشاور معاون پارلمانی، در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۸۸، اسامی و سوابق ۲۱ وزیر پیشنهادی احمدی نژاد اعلام کرد که ۳ وزیر پیشنهادی دیگر هم چنان تعیین نشده اند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مجلس شورای اسلامی، فهرست کابینه دهم به این شرح است:

۱- وزارت آموزش و پرورش: سوسن کشاورز؛ ۲- وزیر ارتباطات و فناوری: رضا تقی پور؛ ۳- وزیر اطلاعات: حیدر مصلحی؛ ۴- وزیر امور اقتصاد و دارایی: شمس‌الدین حسینی؛ ۵- وزارت امور خارجه: منوچهر متکی؛ ۶- وزیر بازرگانی: مهدی غضنفری؛ ۷- وزیر بهداشت، درمان و آموزش: مرضیه وحیددستجردی؛ ۸- وزارت تعاون: محمد عباسی؛ ۹- وزارت جهاد کشاورزی: صادق خلیلیان؛ ۱۰- وزارت دادگستری: مرتضی بختیاری؛ ۱۱- وزارت دفاع: احمد وحیدی؛ ۱۲- وزیر راه و ترابری: حمید بهبهانی؛ ۱۳- وزیر رفاه و تامین اجتماعی: فاطمه آجرلو؛ ۱۴- وزیر صنایع و معادن: علی اکبر محرابیان؛ ۱۵- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: کامران دانشجو؛ ۱۶- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: محمد حسینی؛ ۱۷- وزارت کار و امور اجتماعی: عبدالرضا شیخ‌الاسلامی؛ ۱۸- وزارت کشور: مصطفی محمد نجار؛ ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی: علی نیکزاد؛ ۲۰- وزارت نفت: سیدمسعود میرکاظمی؛ ۲۱- وزیر نیرو: محمد علی آبادی.

اما نمایندگان حاضر در جلسه (۲۸۶ نفر) به سوسن کشاورز، وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، فاطمه آجرلو، وزیر پیشنهادی رفاه و تأمین اجتماعی و محمد علی آبادی، وزیر پیشنهادی نیرو **رأی اعتماد** ندادند.

دست کم دست کم در میان ۱۸ وزیر دولت دهم، ۸ تن از وزرای پیشنهادی **دارای سابقه نظامی**، مسئولیت های مهم در وزارت دفاع و یا **سابقه امنیتی** هستند.

حجت الاسلام حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات، احمد وحیدی وزیر دفاع، و محمد نجار وزیر کشور از وزرای هستند که سابقه فرماندهی ارشد در سپاه پاسداران دارند.

مسعود میرکاظمی، فاطمه آجرلو، علی اکبر محرابیان، سید محمد حسینی، کامران دانشجو و مرتضی بختیاری نیز ۵ وزیر دیگر، در رده های میانی **نهادهای نظامی و امنیتی** به فعالیت اشتغال داشته اند.

از سوی دیگر، برای اولین بار است که مدیریت وزارت نفت به یکی از نظامیان سابق سپرده می شود، کاری که احمدی نژاد چهار سال پیش نیز قصد داشت با معرفی صادق محصولی به عنوان وزیر پیشنهادی نفت به انجام برساند اما با مخالفت مجلس

پیروی از آنچه وی می گوید، است. در حالی که مردم در راهپیمایی ها و تظاهرات های میلیونی خود، نه تنها وی، بلکه با شعار « مرگ بر دیکتاتور » **نفرت و بیزاری** خود را از کل حکومت اسلامی اعلام کرده اند.

بدین ترتیب، با هدایت و رهبری علی خامنه ای رئیس جمهور، دولت و کابینه اش را انتخاب کرده بود، از تأیید مجلس هم گذشت. اکنون این سناریو تکمیل شده است که از رهبری تا مجلس، از لباس شخصی ها تا سپاه پاسداران و غیره همگی برای دفاع از حکومت **جهل و جنایت** و خون آماده شوند و هر اعتراض مردم را در نطفه خفه کنند.

اما اینها نیز در این سه ماه متوجه شده اند خیزشی که در خیابان ها راه افتاده است هر چند اکنون با **سرکوب و کشتار** کمی فروکش کرده است اما قلب این **مبارزه** همچنان در کارخانه ها و کارگاه ها، مدارس، دانشگاه ها و محلات می طپد که نه توهمی به حکومت و جناح های آن دارد و نه ترسی از این جانان. اکنون کل حاکمیت را این ترس فراگرفته است که اگر **جنبش کارگری** در سراسر کشور به طور جدی وارد صحنه سیاسی و اجتماعی کشور شود و **جنبش دانشجویی** و **جنبش زنان** و دیگر جنبش های آزادی خواه و تحت ستم را نیز با خود همراه و متحد کند، چه کار خواهند کرد؟!

بی جهت نیست که کلیه **ارگان های سرکوب** حکومت اسلامی سرکوب همه جانبه اعتراضات خیابانی، جنبش کارگری و جنبش دانشجویی را در افق و چشم انداز خود قرار داده است. شکی نیست که سرنوشت نهایی جامعه ایران را این جنبش ها و در پیشاپیش همه **جنبش کارگری** متشکل و آگاه رقم خواهد زد. اکنون اکثریت شهروندان ایرانی و جریانات سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج کشور، خواهان **برکناری این حکومت** جانی هستند و به آلترناتیو آن می اندیشند.

در چنین شرایطی، هر کسی و هر جریانی که به نوعی به این و یا آن جناح حکومت اسلامی، نزدیکی نشان دهد یا سخت در اشتباه است و یا **منافعی** در حفظ این حکومت دارد. در هر صورت در آینده چنین افراد و جریاناتی مورد بازخواست مردم آزاده و آگاه قرار خواهند گرفت. زیرا رسیدن به یک **جامعه آزاد** و برابر و انسانی از مسیر نفی کلیت حکومت اسلامی و مبارزه در جهت سرنگونی آن با قدرت اجتماعی می گذرد.

چهاردهم شهریور ۱۳۸۸ - پنجم سپتامبر ۲۰۰۹

سرکوب مستقیم مردم، شکنجه زندانیان سیاسی و اقرار گیری از آنها در زیر شکنجه، جوخه های **ترور و اعدام** و به طور کلی سازمان دهی جنایت علیه مردم ایران نقش نداشته باشد. در رأس همه جانان و تروریست های حکومت اسلامی می توان به نقش اصلی جانانی هم چون خامنه ای، احمدی نژاد، میرحسین موسوی، محسن رضایی و غیره در سرکوب و جنایت و ترور مخالفین اشاره کرد.

در هر صورت پس از **رأی اعتماد** به ۱۸ تن از وزرای پیشنهادی احمدی نژاد در مجلس، محمد رضا باهنر، نایب رئیس مجلس در سخنانی بر نقش مستقیم خامنه ای در تأیید کابینه جدید احمدی نژاد تأکید نمود.

یک روز بعد از پایان رأی گیری، محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس رسماً اعلام کرد که رهبر برای نمایندگان مجلس پیام فرستاده و گفته بود: « روی تجربه وزرای پیشنهادی زیاد بحث نکنند. اصل **پاکدستی** و **ولایت پذیری** باید باشد. »

باهنر گفته است: « به هر حال همه چیز به خیر گذشت و پیام رهبری بود که نقش مهمی در این زمینه ایفاء کرد. در زمان شمارش آرا فضا را این طور می شد دید که اگر توصیه رهبری نبود احتمال داشت که ۸ الی ۹ نفر از وزرا رأی نیاورند و این آغاز خوبی برای دولت نبود. »

نایب رئیس مجلس می افزاید: « اگر پیام رهبری نبود احتمال می دهیم که وزرای نفت، صنایع، بازرگانی، تعاون، راه و ترابری و حتی وزارت خارجه رأی نمی آوردند. » بنا به گفته آقای باهنر آیت الله خامنه ای به نمایندگان مجلس پیام داده بود که در **کارآمدی** وزرای پیشنهادی بر نظر رئیس جمهور **اعتماد** کنند.

روز پنجشنبه محمود احمدی نژاد، پس از پایان سخنان موافق و مخالف وزیران پیشنهادی در صحن مجلس گفت: « صحنه این چهار پنج روز نشان داد که **دموکراسی** در ایران حقیقی است و یک الگوی جدید از دموکراسی را به دنیا ارائه کرد. »

محمود احمدی نژاد، سه ماه وقت دارد تا برای وزارتخانه هایی که وزرای آن نتوانستند از مجلس **رأی اعتماد** بگیرند، نامزدهای جدید معرفی کند.

لازم به تأکید است که در همین مجلس کسی درباره ثروت و شغل قبلی وزرای پیشنهادی بحث نکرد تا معلوم شود امروز چی دارند و فردا که از کابینه می روند چه خواهند داشت؟! معیار دومی که رهبر گفته است آن را ملاک قرار دهند « **ولایت پذیری** » است. معنای ساده این ولایت پذیری، یعنی

اگر خمینی زنده بود؟

خردجال « جنبش سبز » و کروبوی

مهدی کروبوی در مصاحبه ای با روزنامه ایتالیایی « استامپا » مدعی است که اگر « آیت الله خمینی زنده بود انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران را **باطل** می کرد و خشونت ها و قتل های صورت گرفته را نیز محکوم می کرد ». این **ادعای بی اساس** کروبوی را البته باید یک نوع **فریبکاری** دانست زیرا که بدرستی علی خامنه ای از سلک خود خمینی می باشد. نگاهی به گذشته و تاریخ جمهوری اسلامی در طی سی ساله گذشته این دروغ بزرگ کروبوی را تاریخاً رد می کند.

کروبوی که خود همراه با **حسین موسوی** از مسئولین **جنایت** تحت حاکمیت خمینی بوده اند امروز ادعایی را می کند که می خواهد دست خود و ارباب قبلی اش و ولی اش را تاریخاً بشوید. ولی نگاهی به تاریخ سی ساله گذشته بویژه در زمان خمینی و ولایت او نشان می دهد که دقیقاً خامنه ای همان خطی را با **مخالفین سیاسی** خود در پیش گرفته است که خمینی در زمان حیاتش در مقابل مخالفینش داشت.

دستور کشتار زندانیان سیاسی که حتی صدای ولی عهد او یعنی **منتظری** را هم در آورد شاهد این مدعاست. فخلشی ها و **تهمت ها** و افتراهای زمان بعد از استقرار جمهوری اسلامی به **گروههای مخالف** سیاسی را هنوز نسل ما فراموش نکرده است که چگونه شیوه ای بسیار ضد انسانی به تبلیغات علیه نیروهای سیاسی می پرداختند و هزاران تهمت و افترا به آنان در روزی نامه هایشان به مخالفین سیاسی خود در زمان بعد از استقرار جمهوری اسلامی می زدند.

کروبوی بهتر است که اگر عمری برایش باقی بماند و بگذارد که نسل پنجاه و هفت کاملاً سر به دامان خاک بگذارد و بعد مدعی **عدالت خواهی** خمینی گردد. همان خمینی که بارها **دستور قتل عام** نیروهای سیاسی را به صرف عقیده شان صادر کرده است. همان کسی که دستور می داد که قلمها را بشکنید و به شکل امروزی علی خامنه ای همه چیز را به دشمن خارجی وصل می کرد تا بتواند توجیهی برای **سرکوبگری** داشته باشد.

بعد از این نیز به امثال کروبوی و موسوی، حجاریان، گنجی و دیگر مدعیان جدید **آزادی خواهی** بایستی یادآور شد که شماها همتان از همان جنس **ارتجاع خمینی** هستید و فرقی بین شما و خامنه ای طی سالیان حکومت جمهوری اسلامی نبوده است. ادعاهای آزادی خواهانه شما تنها در یک **جنگ قدرت** است

وگر نه ماهیت شما هم از همان جنس خمینی است و امروز هم بهمین دلیل به یاد عدالت خواهی خمینی افتاده اید.

مردم ایران صدایشان با آنچه که بنام « **جنبش سبز** » خردجال برایش می سازند بسیار متفاوت است. ماهیت خواسته های مردم ایران ماهیتی مترقیانه و آزادی خواهانه دارد که با ماهیت نیروهای ارتجاعی مانند شما و از اپوزیسیونی که از جنس شماسست هیچ قرباتی ندارد. خردجال جنبش سبز باعث تنها ضربه زدن به حرکت مردم ایران است و بی جهت نیست که سردمداران این خردجال ارتجاعی نیز کسانی می باشند که سالیان در خدمت همین خمینی که **مسئول هزاران قتل** در ایران بوده است می باشند.

جناب کروبوی بروید این صحنه گردانی ارتجاعی خود را در جایی دیگر پهن کنید و جنبش مردم ایران از خردجالی خواسته های خود تحت نام خمینی و خمینی صفتی راحت بگذارید. کل جناحهای رژیم اسلامی چه سران خردجال سبز و چه خامنه ای و رفسنجانی بحثشان **قدرت** است و **غارت** و هیچ فرقی با هم نمی کنند این را گذشته این پدیده نشان می دهد و همچنین این را تاریخ گذشته صحنه گردانهای خردجالی بنام جنبش سبز نشان می دهد. حنای شما رنگی ندارد. خامنه ای و سرکوبگری اش ادامه همان خط « امام راحل » شماسست. جناب کروبوی همین گفته های شما در مورد خمینی ماهیت **ارتجاعی** و **سرکوبگری** شما و جریان خردجال جنبش سبز را نشان می دهد که خمینی را هنوز مرجع آزادی خواهی خود می دانند.

در یک کلام خمینی در گذشته همین کارهایی را کرده است که خامنه ای نیز سالهاست انجام می دهد و اگر او هم زنده بود در سرکوب برای حفظ « اسلام عزیز » بخوان قدرت خود ذره ای به جز آنچه که خامنه ای امروز عمل می کند انجام نمی داد و بی جهت نیست که خامنه ای در سخنرانی اخیر خودش که بر **سرکوب** تأکید داشت بر « امام » خود و رفتار او با « مقامات بالاتر » مانند **بنی صدر** تأکید داشت و امثال کروبوی و موسوی را با همان گفتار و رفتار « امام » خمینی کروبوی تهدید می کرد که امروز کروبوی می خواهد او را گونه ای دیگر به عرضه کند که انگار خمینی سرکوبگر نبوده است و اگر امروز بود کار دیگری جز آنچه خامنه ای انجام می دهد، عمل می کرد.

نادر هدایت

تأکید بر سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی، شرط پیشروی جنبش توده ای!

اعتراضات بزرگ مردمی که به دنبال اعلام **نتایج تقلب** آمیز « انتخابات ۲۲ خرداد سراسر کشور را فرا گرفت گرچه با **وحشیگری ذاتی** دیکتاتوری حاکم مواجه گردید، اما آنچنان تکانی به جامعه داد که در نتیجه آن هر روز موج های جدیدی از **مبارزات مردمی** در خیابانها سرازیر می شود.

آنچه که در این اعتراضات برجستگی خاصی یافته واقعیت وجود نیروهای اجتماعی ای ست که می کوشند تا این اعتراضات در چهار چوب **اختلافات درونی** طبقه حاکمه محصور شده و شعارها و اشکال مبارزه به سطحی ارتقا نیابد که همگان به عینه و آشکارا ببینند که **کل نظام جهنمی** حاکم آماج خشم و نفرت و مبارزه **توده های رنج دیده** قرار دهد.

در جریان جنبش توده ای اخیر چه رسانه های داخلی و چه خبرگزاریهای خارجی در یک همگامی غیرقابل انکار می کوشند تا در شرایطی که نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی با **سبعیت تمام توده های معترض** را به خاک و خون می کشند، مردم را از حق مسلم دفاع از خود بازداشته و آنها را به « آرامش » و « سکوت » در مقابل **مهاجمین وحشی** و خونخوار حکومتی، دعوت نمایند. رسانه های مزبور برای رسیدن به این هدف با دمیدن در بدن نحیف موسوی در تلاش اند تا وی را « رهبر » این اعتراضات جا بزنند. و این گونه جلوه دهند که تمام هم و غم مردم بجان آمده ما از **مظالم و ستم های** سی سال حاکمیت ننگ و جنایت جمهوری اسلامی در خیابانها این است که حتی با نثار خون خود موسوی را بجای احمدی نژاد بنشانند.

البته تبلیغ برای موسوی از قبل از انتخابات فرمایشی ۲۲ خرداد شروع شده بود و **اصلاح طلبان حکومتی** با براه انداختن « موج سوم » و دفاع از کاندیداتوری موسوی و برافراشتن پرچم سبز به مثابه سمبل حرکت خود کوشیدند با سرمایه گذاری روی **نفرت جوانان** از سرکوبگرهای سالهای ریاست جمهوری احمدی نژاد، آنها را حول پرچم سبز خود بسیج کنند. در این راه، آن فریبکاران حتی به سرود زیبا و پر معنای « آفتابکاران » که ملهم از **مبارزه قهرمانانه** چریکهای فدایی خلق در اوایل دهه ۵۰ بوده و تبلوری از آنست، دستبرد زده و وقیحانه آن را برای جلب جوانان به سوی خود، مورد استفاده قرار دادند. این ترفند ها و تبلیغات، متأسفانه در شرایط فقدان یک **جنبش انقلابی** سراسری و نبود یک تشکل انقلابی قادر به رهبری جنبش، گوش های شنوایی

یافته و افرادی با انگیزه های گوناگون را حول خود جمع نمود که انعکاس آن در جو تبلیغات قبل از **انتخابات** و گستردگی پرچم و آرم سبز در سطح خیابانها قابل رویت بود. این واقعیت نشان می داد اصلاح طلبان حکومتی با **سرمایه گذاری** بر روی **نفرت مردم** از احمدی نژاد می کوشند کرکسی چون موسوی که چنگالش به خون دهها هزار نفر از **کمونیستها و آزادیخواهان** این آب و خاک آغشته است را قناری خوش صدایی جا بزنند که حال **نغمه آزادی** سر داده است. در هیاهویی که تبلیغات دروغین بر پا نمود آگاهانه تلاش شد تا کسی فرق کرکس به عنوان حیوانی **خونخوار و کثیف** را با قناری متوجه نشود؛ و روی این واقعیت پرده کشیده شود که کاندیداهایی که از غربال شورای نگهبان گذشته و اصل « ولایت مطلقه فقیه » را مورد تأیید قرار داده اند، در زمینه سرکوب مبارزات مردم فرقی با هم ندارند. اگر از رضایی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران که وجودش از **جنایات** این سپاه در حق مردم جدائی ناپذیر است، بگذریم، کروی و موسوی این امتیاز را به احمدی نژاد داشتند که **شقاوت** های احمدی نژاد به صورت بالفعل و تازه در مقابل چشم همگان قرار داشت، اما جنایات آن دیگران را گرد زمان تا حدی پوشانده و این جنایات بخشاً بخاطر گذشت زمان به خصوص برای جوانان قابل لمس نبوده و مهمتر اینکه در پرده ای از **تبلیغات دروغین** پوشیده شده است.

پس از اینکه وزارت کشور دیکتاتوری حاکم، احمدی نژاد را که به حق مورد **نفرت** توده هاست، برنده **انتصابات** خود ساخته اش اعلام نمود، خشم مردم از **تقلب و وقاحت** دار و دسته حاکم شعله ور گشت. دار و دسته احمدی نژاد در حاکمیت موجود، کار **تقلب و تحقیر مردم** را به آنجا کشاندند که نه تنها آرای دیگران را به خود نسبت دادند بلکه در انتخاباتی که چهار کاندید بیشتر نداشت، برای تحقیر کروی و حامیانش، وی را نفر پنجم اعلام نمودند! **تقلبات آشکار** و برخوردهای تحریک آمیز دولت احمدی نژاد به واقع بنزینی بود که بر آتش خشم مردم ریخته شد. بر آتش خشم مردمی که در سی سال گذشته در حالیکه همواره ضرورت حضورشان در انتخابات مورد تأکید قرار گرفته اما عملاً رأی و اراده شان با **وقاحت** پایمال قدرت حاکم گردیده و خواستها و مطالباتشان وحشیانه سرکوب شده است.

اعتراض به تقلب در انتخابات از سوی توده های وسیعی که بخشی از آنها اساساً در انتخابات فرمایشی شرکت نکرده بودند، فرصتی برای سرریز شدن خشم مردمی فراهم آورد که سی سال **سلطه چپاولگرانه** نظام حاکم کارد را به استخوانشان رسانده است. جنبش این توده ها، آنچنان ابعاد گسترده ای یافت که زمین را

« فرو رفتن در نظام و آسیب شناسی و آسیب زدائی از آن است»، آنهم در شرایطی که همان نظام در دریای نارضایتی و خشم مردم در حال غرق شدن می باشد. **تجربه دوره خاتمی** به روشنی نشان داد که این دار و دسته در حفظ سیستم استثمارگرانه موجود هیچ اختلاف اساسی با جناح های دیگر جمهوری اسلامی ندارند و اختلاف اساسی آنها با جناح های دیگر دست بالا داشتن در **چپاول توده ها** و چگونگی حفظ نظام از گزند مبارزات مردم می باشد. تکیه بر هر یک از این **تجربیات کافی** است تا جوانان ما فریب دروغهای این جماعت مردم فریب را نخورند. همچنانکه ۸ سال دوره ریاست جمهوری خاتمی ثابت کرد که جمهوری اسلامی **اصلاح پذیر** نمی باشد. شرط پیشرفت این خیزش بزرگ مردمی نیز در حال حاضر، آشکار کردن عمومی ترین خواست خود که همانا **سرنگونی رژیم** می باشد و خواستی است که در لحظه کنونی، اصلاح طلبان و همه نیرو هائی که به انحا مختلف می کوشند انرژی انقلابی توده ها را در چهارچوب اختلافات **جناحهای حکومتی** محدود سازند بر علیه آن بوده و در مقابلش موضع گرفته و می ایستند. بیهوده نیست که آنها روشهای سترون صرفا غیر قهر آمیز را در مقابل **قهر ضد انقلابی** رژیم تبلیغ نموده و با استدلال های غیر واقعی می کوشند مردم را از حق دفاع از خود و تهاجم برای نابودی کل نظام موجود باز دارند.

این را هم می توان دید که وقتی که کل جامعه در اثر شدت گیری **تضادهای طبقاتی** و اوج گیری مبارزات توده های تحت ستم تکان می خورد همه اقشار و طبقات به تکاپو در می آیند، بر چنین اساسی است که امروز در خارج از کشور شاهد فعال شدن توده ای - اکثریتی هائی هستیم که در تمامی این سالها نشان داده اند به مثابه یکی از **مدافعان نظم** حاکم همواره در کنار جناح های درونی رژیم و بر علیه خواستها و مطالبات **کارگران** و **زحمتکشان** بوده اند. اینها امروز بار دیگر فرصت یافته اند تا **ماهیت ضد مردمی** خود را به نمایش بگذارند و این روزها همه جا آنها را در زیر پرچم سبز اسلام موسوی و بیرق شعار های مردم **فریب** کروی می بینیم و مشاهده می کنیم که این خائنینی که در دهه ۶۰ آشکارا در سرکوب مردم ایران با همین دولت موسوی همکاری کردند، چگونه امروز در همه جا جزء سینه چاکان دفاع از موسوی گشته و می کوشند تا نگذارند تا **کمونیستها** و **انقلابیون** شعاری که کل نظام ظالمانه موجود و سیستم سرمایه داری حاکم را هدف قرار می دهد سر بدهند. از قرار خیزش بزرگ مردمی ما که همه نیروهای جامعه را به حرکت در آورده، باتلاق گندیده اکثریتی ها را نیز تکان داده و باعث

زیر پای جلدان حاکم به لرزه در آورد و ولی فقیه را مجبور نمود مراسم نماز جمعه ۲۹ خرداد را خود برگزار کرده و طی سخنانی در تقابل آشکار با خواست **ابطال انتخابات** که مطالبه عمومی اصلاح طلبان و بخشی از مردمی بود که هنوز تحت تأثیر تبلیغات **فربیکارانه** آنها قرار داشتند، ضمن تأیید به اصطلاح **پیروزی** احمدی نژاد، مردم را به گردن نهادن به نتیجه انتخابات دعوت کرده و هر گونه اعتراض خیابانی را کار « خرابکاران » و توطئه قدرتهای بیگانه جا بزند.

اما **تظاهرات قهرمانانه** ۳۰ خرداد و حضور گسترده مردم در خیابانها در روز بعد، پاسخ مردم دلاور ما به اراجیف و تهدیدات خامنه ای بود. **تداوم اعتراضات** توده ای نشان داد که علیرغم همه سبعیت نیروهای سرکوب و شمشیر کشیدنهای رهبر جمهوری اسلامی، مردم ما از چه **اراده پولادین** و چه پتانسیل اعتراضی بزرگی برخوردارند که با دست خالی به خیابانها ریخته و خشم و نفرت خود از تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند تا آنجا که دهها نفر بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی به شهادت رسیده و کار به آنجا رسید که حتی برخی از خبرگزاریهای خارجی از کشته شدن ۱۵۰ نفر گزارش دادند که البته هنوز آمار واقعی تعداد **کشته شدگان** روشن نشده است.

به این ترتیب علیرغم همه فراخوانهای دعوت به « آرامش » و تبلیغ « گل » دادن به **نیروهای سرکوب** و راهپیمائی در «سکوت»، جوانان مبارز با فریاد شعارهای رادیکال، با سنگ و کوکتل مولوتف به مقابله با ماشین سرکوب جمهوری اسلامی برخاسته و نشان دادند که **جنبش مردمی** در اثر شدت گیری مبارزه طبقاتی چه زود پوسته های تحمیلی را از هم دریده و جنگ و گریز خیابانی با ارادل و اوباش حکومتی جای آرامش و سکوت به اصطلاح رهبرانی را می گیرد که همه تلاش شان این است که مبدا اعتراضات مردمی از کنترل خارج شده و کل **نظام ضد مردمی** حاکم را آماج قرار دهد.

برای درک افق های این به اصطلاح رهبران، اگر حتی به دوره نخست وزیر **میرحسین موسوی** مراجعه نکنیم که تنها در سالهای ۶۰ تا ۶۲ از دوره زمامداری وی، روزنامه های دولت او هر روز خبر از اعدام دهها **مجاهد، کمونیست** و **آزادیخواه** می دادند و لباس شخصی های خمینی و موسوی با تیغ موکت بری و اسید، زنان را مجبور به رعایت **حجاب اجباری** می کردند، کافی است به تجربه ۸ سال **حکومت خاتمی** مراجعه نمود که طی آن اصلاح طلبان حکومتی نشان دادند که وظیفه شان نه آسیب رساندن به نظام بلکه بقول شمس الواعظین یکی از اصلاح طلبان دو خردادی

به مردم قول می دهند که روی رفسنجانی و دیگر جنایتکاران دست باخته رژیم می توانند حساب باز کنند.

این نوع وعده ها از همان دست وعده هایی است که همین دسته و گروههای فرصت طلب در زمان خاتمی به مردم داده اند و یا اینکه از همان دست وعده هایی است که برای شرکت دادن مردم در انتخابات نمایشی رژیم سرهم می کردند و مردم را با حمایت رسانه های بین المللی و همچنین رادیوهای بیگانه به پای صندوق رژیم کشاندند تا ولی فقیه رژیم بتواند با افتخار به شرکت مردم همه را یک جا به جیب خود بخوابد بریزد.

این متوهمین به مردم قول می دهند که با هزینه کم می توانند تحولاتی در سیستم ایجاد کنند و هنوز رهبر این جنبش ارتجاعی یعنی « موج سبز » از مردم می خواهد که در چهارچوب جمهوری اسلامی و وفادار به قانون اساسی باشند و در خط امام. البته در این بین نیز کسانی به این موج فرصت طلبان قبل از انتخابات اضافه شده است از رجوی تا رضا پهلوی هم به توده ای و اکثریتی های بریده و نبریده ولی وفادار به خط کیانوری و احسان طبری اضافه شده اند تا با فرصت طلبی تمام ضمن اقتدا به اصل ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی در راه « موج سبز امید » به حسین موسوی ابراز حمایت کنند. هر چند حسین موسوی هرگز در ذهن خود و در برنامه هایش نخواست است که در خارج از قانون جمهوری اسلامی حرکت و یا عمل کند. از این نیز که بگذریم اینها باندهای متفاوت غارت مردم می باشند که بر سر تقسیم قدرت و ثروت با یکدیگر جنگ دارند و در همین جهت است که هرگز هیچ کدام از این جناحها شاخه ای را که بر سر آن نشسته اند از بن نخواهند برید که خود نیز سقوط کنند و بی جهت نیست که سعی می کنند که از یکدیگر امتیاز بگیرند و در این راه نیز استفاده ابزاری از مردم و هر آنچه که در زندانها بر مردم ایران رفته است می کنند و گرنه مگر اینها زمانی که دختران مبارز در زندانها مورد تجاوز پاسداران سیاهی رژیم قرار می گرفتند در سال های شصت و شصت و هفت صدایشان در آمد؟ مگر یک بار هم که شده به قضیه آن سالها و مقایسه آن با امروز پرداخته اند و به نقش و مسئولیت خود اعتراف کرده اند؟ نه ! آنها خود را مبری می دانند و به این سئوالات جواب نمی دهند و هرگز حاضر نیستند که آینه ای در مقابل خود بگیرند و چهره جنایتکار خود و امام جنایتکارشان را تماشا کنند.

در همین رابطه است که باز هم گروههای فرصت طلب مانند زمانی که بوی جنگ و حمله نیروهای خارجی به ایران می آمد که فرصت طلبانه یا با تبلیغات آنها همراهی و همگامی می

گشته است تا اینها نیز بار دیگر به جلو صحنه آمده و دنائت و پستی ذاتی خود را بار دیگر به نمایش بگذارند.

با توجه به آنچه گفته شد، واضح است که شرط اصلی پیشروی جنبش توده ای شورانگیزی که این روزها حاکمیت جمهوری اسلامی را با یکی از سخت ترین چالشهای عمر ننگین خویش مواجه کرده است، رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر مبارزات مردم همراه با افشاء شدن هر چه بیشتر اصلاح طلبان است.

Cherik Hayeh Fadaee Khalgh
www.siahkal.com

سیر حوادث در ایران و امید فرصت طلبان و باز هم عوام فریبی سیاسی در خدمت رژیم

www.naderhedaiat.tk

اوضاع در ایران هنوز هفته ها پس از انتخابات نمایشی رژیم ایران همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. حداقل این دیدگاه بعضاً رسانه های خارجی و دنبالچه های خبری آنها و همچنین « اپوزیسیونی » است که مردم را به شرکت در « انتخابات » رژیم دعوت کرد و به آنها گفت که با شرکت در این « انتخابات » می توانند مردم سرنوشت خود را تغییر دهند. اکنون این گروه های متفاوت یعنی امپریالیزم خبری، بخش به اصطلاح « رفرمگر » درون رژیم و همچنین نیروهای « اپوزیسیون » در تبعید که مردم را به شرکت در انتخابات کرده بودند هنوز می خواهند این طور به مردم حالی کنند که هنوز می توان با امید بستن به تحولات درون رژیم تغییراتی ایجاد کرد و هنوز هم نگاهشان به بالایی هاست.

مدتهاست که مردم به خانه هایشان بازگشته اند ولی اینها هنوز فکر می کنند که می توان با تکیه بر جنایتکارانی مانند رفسنجانی، موسوی و یا کروی معادلات را به نفع آنچه که در بازی انتخابات به نفع کلیت رژیم و همچنین باند خامنه ای باخته اند را دوباره بدست آورند. و امروز هم هنوز به تحولات در درون رژیم برای مثلاً تغییر ولایت فقیه حساب می کنند. آنها باز هم به مردم دل خوش می دهند و وعده های متفاوت می دهند که شهریورماه آستان « تحولاتی غیر منتظره » خواهد بود و اشاره شان نیز به تشکیل مجلس خبرگان می باشد که چند نفر عضو آن ناراضبتی خود را از رهبر رژیم اسلامی نشان داده اند. آنها باز

چهارشنبه، ۴ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۶ اوت ۲۰۰۹

تصاویر دلخراش؛ جنایات هولناک مزدوران رژیم در تهران

یکی از خوانندگان: این دو تصویر مربوط به جنایات هولناک ماموران سفاک رژیم ولایت سفیه و در حوادث قبلی تهران که یکی از اقوام من که در بیمارستان سینای تهران پزشک خودش تهیه کرده و تازه الان من ازش گرفتم و هیچ جا منتشر نشده. خواهشمندم اطلاع رسانی کنید.



پنجشنبه، ۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ اوت ۲۰۰۹

جمهوری اسلامی و احتمال طغیان کارگران

راديو آلمان: پایگاه اینترنتی « الف » منتصب به احمد توکلی نماینده اصولگرای مجلس، نسبت به وخیم‌تر شدن رکود اقتصادی و خطر گسترش اعتراضات کارگری هشدار داد. به گزارش این تارنما، ۲۰۰ هزار کارگر ۵۰۰ کارخانه دست‌کم سه ماه حقوق نگرفته‌اند.

کردند و چه کسانی که در جنگ یک « فرصت » طلایی برای خود می‌دیدند که می‌توانند رژیم را با حساب جنگ به « سقوط » بکشند امروز همان نیروها به صورتهای متفاوت می‌خواهند از مردم استفاده ابزاری نمایند و **فرصت طلبانه** آنها را به میدانی بکشند که کارگردانان اصلی اش طرفهای جناحی رژیم و دیگر بازیگرش **امپریالیستها** می‌باشند. آنها بخشاً حتی مردم را به پشتیبانی از **موسوی** هنوز فرا می‌خوانند و فرصت طلبانه فکر می‌کنند که **رفسنجانی** شاخه ای را که بر آن نشسته است را از بن خواهد برید و ولایت فقیه را که « **ستون نظام** » می‌داند را فرو خواهد ریخت. این **خیالات باطل و امیدواری** به بازی قدرت دربالا و بازی در شکاف قدرت در بالا بدون آنکه توده‌ها متشکل شده و حرف و صدای خود را سازمان داده باشند تنها امیدواهی دادن به مردم است که استفاده اش را باز هم مانند زمان دعوت مردم به **انتخابات رژیم** خواهد برد.

ن. هدایت، نوزدهم اوت دو هزار و نه

خبرها

چهارشنبه، ۴ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۶ اوت ۲۰۰۹

قتل یک جوان ۲۳ ساله توسط نیروهای بسیج

فعالان حقوق بشر در ایران

خبرگزاری هرانا: پرویز میرزایی شهروند کرد ۲۳ ساله ساکن روستای صوفیان از توابع شهرستان ارومیه که از مراسم ازدواج یکی از بستگان خود در روستای « قصریک » به منزل خود مراجعت می‌کرد توسط نیروهای بسیج به ضرب گلوله کشته شد.

به گفته همراهان و شاهدان عینی نیروهای بسیج در یک ایست بازرسی به دو خودرو دستور توقف دادند اما با گریز خودرو اول با تصور به اینکه هر دو خودرو با هم مرتبط هستند بدون هیچ اخطار قبلی و یا دلیل خاصی به روی سرنشینان خودرو دوم آتش گشودند. طی این حادثه، پرویز میرزایی از سرنشینان خودرو دوم کشته و یکی از همراهان ایشان با اصابت گلوله مجروح شد. علیرغم این موضوع نیروهای بسیج با بیرون آوردن تمامی سرنشینان خودرو به ضرب و شتم آنان پرداختند.

خانواده میرزایی با تنظیم شکایت نامه ای و ارسال آن به شعبه اول دادگاه نظامی ارومیه خواستار محاکمه ضارب و یا ضاربین فرزندشان شدند اما با گذشت بیش از دو ماه از این رخداد هنوز فرد و یا افراد خاصی مورد محاکمه قرار نگرفته‌اند.

بنیامین نتانیاهو پس از گفتگو با آنگلا مرکل در برلین در جمع خبرنگاران گفت، موضوع مهمی که باید به آن پرداخت، اعمال تحریمهای فلج کننده علیه رژیم تهران برای جلوگیری از دستیابی این رژیم به سلاح اتمی است.



نخست وزیر اسرائیل افزود، اگر شورای امنیت سازمان ملل نتواند به توافقی برای اعمال تحریمهای شدیدتر علیه رژیم تهران دست یابد، ایالات متحده و اتحادیه اروپا باید به تنهایی در این زمینه اقدام کنند.

از سوی دیگر صدراعظم آلمان به جمهوری اسلامی هشدار داد و گفت، فرصت زیادی برای پاسخگویی رژیم تهران به درخواستهای جامعه جهانی باقی نمانده است. آنگلا مرکل گفت، چنانچه رژیم تهران تا ماه سپتامبر به درخواست جامعه بین المللی پاسخ ندهد، با تحریمهای سخت تری روبرو خواهد شد.

پنجشنبه، ۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ اوت ۲۰۰۹

۷۳ نفر تنها در یکماه در دریای مازندران غرق شدند

خبرگزاری مهر: پزشکی قانونی تعداد مغروقین در مازندران را ۷۳ نفر اعلام کرد. خسرو قاسم پوری مدیرکل پزشکی قانونی مازندران بعد از ظهر چهارشنبه در جمع خبرنگاران در ساری افراد فوتی ناشی از غرق شدگی ارجائی به پزشکی قانونی در مردادماه سال جاری را ۷۳ نفر اعلام کرد. قاسم پوری تعداد غرق شدگان در دریای خزر در پنج ماهه سال جاری را ۱۳۸ نفر اعلام کرد. وی ادامه داد: ۱۲۴ نفر از غرق شدگان سال جاری در دریای مازندران مرد و ۱۴ نفر زن بوده اند. مازندران دارای ۳۳۸ کیلومتر ساحل در دریای خزر است.

احمد توکلی ریاست مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی را نیز در سه دوره اخیر به عهده داشته است. او، در دوران نخست وزیری میرحسین موسوی وزیر کار بود و از همان زمان به بررسی مسائل مربوط به اشتغال علاقه نشان می داد.

سایت الف، پس از اشاره به گسترش اعتصابهای کارگران در نساجی بوکان، لاستیک دنا، پرریس و کشت و صنعت هفت تپه، می نویسد: « ظرف یک ماه و نیم گذشته، نرخ بیکاری در تهران ۳ درصد بالا رفته و هزار و ۶۴۶ نفر به خیل کارگران بیکار پیوسته اند ».

در بخشی دیگر از گزارش، با اشاره به این نکته که ۲۰۰ هزار کارگر در ۵۰۰ کارخانه ایران بین ۳ تا ۵۰ ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند، آمده است: « رکود اقتصادی در کشور رو به وخامت دارد. اتاق بازرگانی، پیش از این نسبت به ادامه بحران هشدار داده بود، فعالان بخش خصوصی می گویند وقایع اخیر باعث عدم اطمینان در اقتصاد شده است ».

پایگاه اینترنتی الف، ورشکستگی پیاپی کارخانهها و افزایش تعداد بیکاران و نیمه بیکاران را نتیجه رکود اقتصادی می داند، نسبت به طغیان کارگران (یقه آبیها) هشدار می دهد و می نویسد: « میلیونها یقه آبی خود را بازنده مناسبات جدید می دانند. همه اخبار چند ماه گذشته، دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبیها است. ادامه روند فعلی و عدم توجه به رکود بنگاههای اقتصادی، موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت. ... انگیزه اصلی تحرکات آبیها، نگرانی از گرسنگی خانواده، شیرخشک فرزند، اجاره مسکن آخر ماه، ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است ».

سایت الف، از اعتراضات کارگران به عنوان « جنبش آبیها » نام می برد و می نویسد که سرکوب این جنبش حتی اگر به « تواب سازی » بیانجامد، مانع فساد و انحرافات اجتماعی نخواهد شد.

در پایان این گزارش، از امکان به هم پیوستن اعتراضات یقه سفیدها و یقه آبیها، به عنوان عاملی برای مؤثر بودن اعتراضات آنها سخن گفته می شود. منظور سایت الف از یقه سفیدها، کارفرمایان، مدیران و سرمایه دارانی هستند که در شرایط فعلی ایران، آنها هم امنیت اقتصادی ندارند.

پنجشنبه، ۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ اوت ۲۰۰۹

درخواست اسرائیل و هشدار صدراعظم آلمان به رژیم تهران
به گزارش خبرگزاری فرانسه از برلین، نخست وزیر اسرائیل امروز در دیدار با صدراعظم آلمان، خواهان اعمال تحریمهای فلج کننده علیه رژیم تهران شد.

میراث ۱۵۰۰ ساله شیراز در مسیر زوال



روزنامه ابتکار: آثار تاریخی شهر « خورشید و ماه » که امروز همگان آن را با نام خرامه می شناسند آنچنان رو به زوال و تخریب رفته که گویی هرگز طعم روشنی خورشید را نخواهد چشید و زیبایی ماه بر آن سایه نخواهد افکند. به گزارش مهر، شهر خرامه مرکز بخش کربال واقع در استان فارس، با مساحت حدود یک هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع در ۷۵ کیلومتری شرق شیراز واقع شده و دارای آب و هوای معتدل کوهستانی و ارتفاع آن از سطح دریا یک هزار و ۵۰۰ متر است. بخش کربال در طول ۵۳ درجه و ۱۹ دقیقه شرقی و عرض ۲۹ درجه و ۳۲ دقیقه شمالی قرار دارد، این بخش از شمال به ارسنجان، از شمال شرقی به آباده طشک، از شرق به نی ریز، از شمال غربی به مرودشت و زرقان از غرب به شیراز، از جنوب به سروستان و از جنوب شرقی به استهبان متصل است. با استفاده از شواهد و اسناد معتبری که در دست است قدمت شهر خرامه و کربال به یک هزار و ۵۰۰ سال قبل و به سال ۵۰۰ میلادی برمی گردد. در کتابها و سفرنامه هایی از جمله نذمت القلوب، فارسنامه ابن بلخی، المسالک و الممالک، آثار العجم، فارسنامه ناصری، شیرازنامه، معجم البلدان، تاریخ برگزیده، برهان قاطع، تاریخ سرزمینهای فلات شرقی، تاریخ ابن خلدون و دیگر کتب در مورد خرامه و کربال مطالبی نوشته شده است. بنا به روایاتی نام خرامه از خورمه به معنی خورشید و ماه به معنی ماه اخذ شده است، فرض دیگر این است که این نام ماخوذ از خورماه که نام روز یازدهم از ماههای ایران است باشد. حتی امروز نیز بعضی از عشایر منطقه نام این شهر را « خورومه » تلفظ می کنند. میراثهای باستانی چون قلعه بهرام گور، چهارطاقی و کاروانسرای جهان آباد قدمت تاریخی این منطقه را بهتر می نمایاند. در خصوص شهر خرامه آمده است که « یعقوب لیث صفاری بعد از رفتن به فارس و جنگ با ابن واصل، قلعه

خرامه را گرفت و چهل هزار بار درم که در آن قلعه بود بدست آورد»، پناه بردن وزیر امیر منصور به این قلعه - که ترکان قصد تاراج اموال وی را داشتند - به اهمیت موقعیت سوق الجیشی آن می افزاید. اما امروز شهر « خورشید و ماه » با هزار و ۵۰۰ سال قدمت آنچنان در غروب بی توجهی مسئولان حوزه گردشگری و میراث فرهنگی غوطه ور شده که با مشاهده آثار در حال تخریب و یا ویران شده این شهر نمی توان برای خرامه هویتی با سابقه تاریخی را فرض کرد. قلعه بهرام گور که تا سالها پیش برپا بود و حتی محل زندگی چندین خانوار نیز محسوب می شد به گفته یکی از دوستداران میراث فرهنگی این شهر، سالها پیش توسط شهرداری منطقه ویران شده و امروز از این محدوده فقط تلی از خاک باقیمانده و یک ستون گاز که به عنوان نماد گازرسانی به این شهر نمایان است. این دوستدار میراث فرهنگی گفت: گویا شهرداری در آن زمان قصد داشت که این تپه را به منطقه ای گردشگری و تفریحی تبدیل کند اما با ویران شدن این قلعه یا کاخ نه تنها این اثر تاریخی از بین رفت بلکه محدوده مذکور نیز به منطقه ای برای گردشگری و تفریح شهروندان تبدیل نشد. که در این محدوده که قبلاً قلعه بهرام گور بنا بوده اثری از کاوش وجود نداشته هرچند که به نظر می رسد انجام این کاوشها در منطقه، پرثمر و نتیجه بخش باشد. یکی از آثار تاریخی منطقه که از زمان ساسانیان برجا مانده و در فاصله ۵۰۰ متری غرب خرامه قرار دارد بنای آتشکده ای است که در محل به « چهارطاقی گبران » معروف است که از نظر ساختمان گنبد و کاربردی تا حدودی شبیه آتشکده بهرام است. این اثر نیز که وضعیت بهتر از آثار دیگر شهر خرامه ندارد یکی از سندهای هویتی شهر خرامه بوده که در سایه بی توجهی و غفلت اسیر زوال و فرسایش شده و با نگاه به آن به خوبی می توان فهمید که شاید سالهای سال است کسی بر ویرانه های آن مرهمی نگذاشته است. برای یافتن این اثر نه تابلویی وجود دارد و نه اطلاعات دقیقی که بتوان به آن رجوع کرد از این رو باید فقط به راهنمایی های بومی های منطقه اطمینان کرد و راه را در کوچه پس کوچه های غربی شهر جست. به رغم اینکه در اکثر بناهای تاریخی حداقل یک تابلو برای معرفی بنا و تشریح قدمت آن وجود دارد در این اثر هیچ تابلو و راهنمایی وجود نداشته و در کتابچه های اطلاعات گردشگری نیز چندان اطلاعاتی دقیقی پیرامون آن در دست نیست و زمانی که این شرایط هنوز برای این آتشکده مهیا نشده، نباید انتظار داشت که بنای مذکور از حداقل محافظتهای میراثی، مسیر دسترسی مناسب و... بهره ببرد. زوال خاموش آثار باستانی شهر خورشید و

کالا و خدمات در ۳۰ سال گذشته تامین شده است. تراز منفی تجاری ایران بدون نفت در ۳۰ سال گذشته ۳۲ میلیارد و ۶۴۰ میلیون دلار منفی تر شده و ۲/۹ برابر افزایش یافته است. صادرات نفت در دوره ۸۶-۱۳۵۷ حدود ۵/۲، تراز تجاری منفی کشور بدون نفت ۲/۹، پرداخت ارزی بابت واردات کالا و خدمات ۳/۵ و دریافت ارزی بابت صادرات کالا و خدمات ۵/۵ برابر شده است. واردات خدمات در این دوره ۳۰ ساله ۲/۲، واردات کالا ۴/۲، صادرات کالا بدون نفت ۲۹/۶ و صادرات خدمات ۲/۴ برابر شده است. اگرچه صادرات کالا و خدمات از ۴۷۶۲ میلیون دلار در سال ۵۷ به ۲۶۱۵۹ میلیون دلار در سال ۸۶ رسیده و ۵/۵ برابر شده اما فاصله درآمد ارزی غیرنفتی از واردات کالا و خدمات از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۵۷ به ۴۹/۶ میلیارد دلار در سال ۸۶ افزایش یافته است.

نسبت پرداخت های ارزی به خارجی ها برای واردات کالا و خدمات به دریافت ارزی بابت صادرات کالا و خدمات بدون در نظر گرفتن نفت از ۴/۶ در سال ۵۷ به ۲/۹ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته و سهم صادرات کالا و خدمات غیرنفتی در تامین ارز موردنیاز کشور افزایش یافته و از ۲۲ درصد در سال ۵۷ به ۳۴/۵ درصد رشد کرده است اما در سال ۱۳۸۶ تراز منفی تجارت خارجی ایران بدون در نظر گرفتن فروش نفت سه برابر نسبت به سال ۱۳۵۷ افزایش یافته است و وابستگی به ارز نفتی از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۵۷ به ۴۹/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسیده و ۱۹۲ درصد رشد کرده است.

این در حالی است که در سال ۱۳۸۶ جمع دریافتی از خارجی ها بابت صادرات کالا و خدمات بدون در نظر گرفتن صادرات نفتی ۵/۵ برابر نسبت به سال ۱۳۵۷ افزایش یافته و طی این دوره ۳۰ ساله جمع پرداخت ها به خارجی ها بابت واردات کالا و خدمات نیز ۳/۵ برابر نسبت به سال ۱۳۵۷ افزایش نشان می دهد.

تراز منفی تجاری غیرنفتی ایران طی ۳۰ سال مورد بررسی نیز از منفی ۱۶ میلیارد و ۹۹۸ میلیون دلار به ۴۹ میلیارد و ۶۳۸ میلیون دلار بالغ شده و شاهد افزایش ۳۲ میلیارد و ۶۴۰ میلیون دلاری در تراز بازرگانی منفی کشور طی این دوره هستیم. البته آمار صادرات نفتی ایران متناسب با رشد منفی تراز تجاری غیرنفتی همواره در حال افزایش بوده و از ۱۵ میلیارد و ۶۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۸۱ میلیارد و ۵۶۷ میلیون دلار در سال ۸۶ افزایش یافته و ۵/۲ برابر شده و این نکته ای است که

ماه آنچنان ملموس و قابل تأمل است که با گذر از آنان سایه غروب و فراموشی را می توان حس کرد. باید در نظر داشت شهرهایی نظیر خرامه که قدمتهای این چنینی دارند به فارس اعتبار بخشیده اند که مستحق رسیدگی بهتر هستند. استان فارس از سوی سازمان میراث فرهنگی با عنوان «شیرازه فرهنگی و تمدن ایران زمین» مطرح شده است اما هیچگاه به این موضوع توجه نشده که اگر بناهای تاریخی موجود در شهرهای مختلف استان در امتداد این مسیر زوال پیش روند در آینده این آثار که شیرازه های این فرهنگ و تمدن را تشکیل می دهند، پایدار نخواهند ماند.

شنبه، ۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۹ اوت ۲۰۰۹

گشایش دانشگاهها؛ برگزاری نشست امنیتی در تهران

تلویزیون العربیه در گزارشی اعلام کرد به منظور بررسی احتمال وقوع اعتراضات گسترده دانشجویی همزمان با شروع سال تحصیلی یک نشست امنیتی در تهران برگزار شده است. یک مقام امنیتی گفت تا برقراری کامل امنیت، بهتر است گشایش دانشگاهها به تأخیر بیفتد.

به گفته العربیه، عناصر بسیج دانشگاهها خواستار سلاح و گاز اشک آور و بقیه الزاماتی شدند که نیروهای ضدشورش در اختیار دارند. آنها می خواهند برای مقابله با هرگونه اعتراض در داخل صحن دانشگاه آمادگی کامل داشته باشند.

شنبه، ۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۹ اوت ۲۰۰۹

وابستگی تجاری ایران به نفت سه برابر شد

روزنامه سرمایه: مقایسه آمار تراز منفی تجاری غیرنفتی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ نشان می دهد وابستگی تجاری ایران به نفت سه برابر شده و از ۱۶۹۹۸ میلیون دلار در سال ۵۷ به ۴۹۶۳۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۶ رسیده است. بر این اساس توان اقتصاد ایران در تأمین ارز موردنیاز برای واردات سه برابر ضعیف تر شده و به همان میزان به نفت وابسته تر شده است. به گزارش نماگرهای بانک مرکزی با افزایش صادرات نفت از ۱۵۶۶۰ میلیون دلار در سال ۵۷ به ۸۱۵۶۷ میلیون دلار در سال ۸۶، میزان واردات کالا و خدمات نیز به شدت رشد کرده و از ۲۱۷۶۰ میلیون دلار در سال ۵۷ به ۷۵۷۹۷ میلیون دلار در سال ۸۶ رسیده است. بر این اساس تراز منفی تجاری غیرنفتی ایران که فاصله صادرات غیرنفتی با واردات کالا و خدمات است به شدت رشد کرده و با اتکا به درآمد نفت مخارج ارزی واردات فزاینده

افزایش ۲۱ میلیارد و ۳۹۷ میلیون دلاری صادرات کالا و خدمات
برابر نماگرهای بانک مرکزی مجموع دریافت های ارزی صورت گرفته از خارجی ها بابت صادرات کالا و خدمات از چهار میلیارد و ۷۶۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۲۶ میلیارد و ۱۵۹ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۲۱ میلیارد و ۳۹۷ میلیون دلاری در دوره ۳۰ ساله مورد بررسی بوده و ۵/۵ برابر شده است. جمع دریافت های ارزی صورت گرفته بابت صادرات خدمات و کالا (BOP) طی سال های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۴۷۶۲، ۱۸۴۲، ۴۹۸۲، ۱۴۴۴۱ و ۲۶۱۵۹ میلیون دلار.

افزایش ۴۴ میلیارد و ۳۶۸ میلیون دلاری واردات کالا (BOP)

برابر نماگرهای بانک مرکزی پرداخت های ارزی صورت گرفته خارجی ها بابت واردات کالا به صورت گمرکی و غیرگمرکی (BOP) از ۱۳ میلیارد و ۸۷۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۵۸ میلیارد و ۲۴۰ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۴۴ میلیارد و ۳۶۸ میلیون دلاری در دوره ۳۰ ساله مورد بررسی است و ۴/۲ برابر شده است. واردات کالا (BOP) طی سال های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۱۳۸۷۲، ۱۳۴۴۸، ۱۹۲۸۷، ۳۸۱۹۹ و ۵۸۲۴۰ میلیون دلار.

افزایش ۱۵ میلیارد و ۵۵۸ میلیون دلاری صادرات کالا (بدون نفت)

برابر نماگرهای بانک مرکزی دریافت های ارزی صورت گرفته بابت صادرات کالا از مبادی گمرکی و غیرگمرکی (غیر نفت و گاز) از ۵۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۶ میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۱۵ میلیارد و ۵۵۸ میلیون دلاری در دوره ۳۰ ساله مورد بررسی بوده و ۲۹ برابر شده است. صادرات کالا (Bop) طی سال های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۵۴۳، ۱۰۴۴، ۳۷۴۷، ۷۵۳۶ و ۱۶۱۰۱ میلیون دلار.

افزایش ۱۹ میلیارد و ۶۶۹ میلیون دلاری واردات خدمات

برابر نماگرهای بانک مرکزی پرداخت های ارزی صورت گرفته به خارجی های بابت واردات خدمات از هفت میلیارد و ۸۸۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۷ میلیارد و ۵۵۷ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۹ میلیارد و ۶۶۹ میلیون دلاری طی دوره ۳۰ ساله مورد بررسی بوده و ۲/۲ برابر شده است. واردات خدمات که شامل پرداخت های ارزی صورت گرفته بابت سرفصل های کرایه حمل و بیمه، خدمات مسافرت، مسافرت، درآمد حاصل از سرمایه گذاری و سایر

باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد چرا که در صورت حذف نفت از تحلیل فوق هرگز مثبت کردن تراز منفی ۴۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری ممکن نمی شد. برابر نماگرهای بانک مرکزی تراز تجاری غیرنفتی ایران که حاصل کسر دریافت های ارزی حاصل از صادرات خدمات و کالا (غیرنفتی) از پرداخت های ارزی صورت گرفته بابت واردات خدمات و کالا از خارج از کشور به داخل و برای مصارف داخلی است از منفی ۱۶ میلیارد و ۹۹۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به منفی ۴۹ میلیارد و ۶۳۸ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و ۳۲ میلیارد و ۶۴۰ میلیون دلار منفی تر شده است. برابر این گزارش تراز تجاری غیرنفتی (خدمات و کالا) ایران طی ۳۰ سال مورد بررسی - و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ - دارای رشد ۱۹۲ درصدی بوده است. این گزارش نشان می دهد در صورت در نظر نگرفتن عایدات حاصل از فروش نفت و گاز (سرمایه ملی) طی ۳۰ سال مورد بررسی از قدرت تجاری و مبادلاتی ایران بالغ بر ۲/۹ برابر کاسته شده یا قدرت مبادلاتی ایران به یک سوم سال ۱۳۵۷ کاهش یافته و در صورتی که صادرات نفتی ایران و ارزهای حاصل از فروش نفت (سرمایه ملی) نبود معلوم نبود که چگونه باید نیاز به ارز خارجی را تامین می کردیم و دولت ها کسری های تجاری و بودجه خود را چگونه جبران می کردند. نتیجه حاصل از این گزارش نشان دهنده این واقعیت است که توان کشور برای تامین ارز مورد نیاز جهت واردات کالا و خدمات در ۳۰ سال گذشته عملاً سه برابر تضعیف شده و وابستگی به نفت برای تامین تراز منفی تجاری کشور از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۵۷ به ۴۹/۶ میلیارد دلار رسیده است در واقع اتکا به ۵/۲ برابر شدن و درآمد های نفتی طی این ۳۰ سال موجب شده اقتصاد کشور توان تأمین ارز مورد نیاز را داشته و ساختار وابسته و بیمار اقتصادی را به پیش برد.

افزایش ۵۴ میلیارد و ۳۷ میلیون دلاری واردات کالا و خدمات

برابر نماگرهای بانک مرکزی مجموع پرداخت های ارزی صورت گرفته و خارجی ها بابت واردات کالا و خدمات از ۲۱ میلیارد و ۷۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۷۵ میلیارد و ۷۹۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۵۴ میلیارد و ۳۷ میلیون دلاری در دوره ۳۰ ساله مورد بررسی بوده و ۳/۵ برابر شده است. جمع پرداخت های ارزی صورت گرفته بابت واردات کالا و خدمات طی سال های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۲/۷۶۰، ۱۶۵۷۰، ۲۵۰۳۰، ۵۰۱۱۵ و ۷۵۷۹۷ میلیون دلار.

پای صحبت‌های تهران جدید که می‌نشینی، کبکبه و دبدبه‌اش سرت را می‌برد! از آنجایی که تهران جدید، حافظه تاریخی‌اش را از دست داده؛ فکر می‌کند مدرن‌ترین شهر ایران است، ساختمان‌هایش نظیر ندارد و هزار و یک ادا و اطوار دیگر که اصلاً گفتمنی نیست! اما همین تهران جدید وقتی چهارزانو می‌نشیند و کوه دماوند را به جای کلاهش قاضی می‌کند، خیلی زود نظرش درباره خودش عوض می‌شود! خیلی زود یاد قدیم‌ها می‌افتد. یاد دروازه‌هایی که نیستند، خیابان‌هایی که در هیاهوی بزرگراه‌ها گم شده‌اند، ساختمان‌هایی که سن و سال‌شان به زمان پیدایش خودش برمی‌گردد و حالا زیر دست و پای برج‌های سر به فلک کشیده ناپدید شده‌اند. تهران احساس می‌کند، هویتش را از دست داده و ما تهرانی‌ها را فقط مقصر می‌داند! امان از روزی که تهران با ما قهر کند! آن وقت هر چه قدر هم که منتش را بکشی، رویش را برنمی‌گرداند و ما دیگر چهره تهران قدیم را نخواهیم دید.

اگر ۴۰ سال قبل از تهران بار سفر بسته باشید و همین امروز دوباره به این شهر وارد شوید، فکر می‌کنید چند دور باید در خیابان‌های تهران بگردید تا تشخیص بدهید اینجا همان تهران است یا مثلاً شهر جدید پرنده؟ لطفاً نشمردید، چون تعداد دورها مدنظر ما نیست! در واقع ما می‌خواهیم از یک اغتشاش حرف بزنیم. بعضی از کارشناسان معتقدند، حدوداً از سال ۱۳۴۰ به بعد تهران دچار اغتشاشی شد که از آن زمان به بعد، پیوند با گذشته روزبه‌روز در این شهر کم‌رنگ‌تر شد.

لطفاً این اغتشاش را با هیچ چیز دیگری اشتباه نگیرید. برای روشن شدن اذهان مومی‌شرح می‌دهیم که آنها معتقدند این اغتشاش در فرم و محتوا، محیط و همین‌طور در جامعه شهری بروز کرد و ماهیت جدیدی را به‌وجود آورد که تهران کنونی مظهر آن است. این کارشناسان هم‌چنین معتقدند، از جهت تاریخی، تهران بر بستر فرهنگی ری باستان قرار گرفته است.

قدیمی‌ترین لحظات این بستر فرهنگی، معروف به تمدن حاشیه چشمه‌علی، متعلق به هزاره ششم پیش از میلاد است و قدمتی ۸ هزار ساله دارد. چشمه‌علی بخشی از منظومه تمدن‌های فلات مرکزی ایران و شکوفاترین آن‌هاست که با قدیمی‌ترین تمدن‌های شناخته‌شده از استقرار و اسکان بشر در بین‌النهرین و تمدن‌های رودسند، رقابت، برابری و پیشی دارد.

این بستر فرهنگی در دوران مادها، هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان استمرار حیات می‌یابد که آثار آن بر بستر ری فعلی در قالب نشانه‌های بی‌شمار هنوز پابرجاست. این دوران را می‌توان

خدمات دولتی و خصوصی است طی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۷۸۸۸، ۳۱۲۲، ۵۷۴۳، ۱۱۹۱۶ و ۱۷۵۵۷ میلیون دلار.

افزایش پنج میلیارد و ۸۳۹ میلیون دلاری صادرات خدمات

برابر نماگرهای بانک مرکزی دریافت‌های ارزی بابت صادرات خدمات از چهار میلیارد و ۲۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱۰ میلیارد و ۵۸ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش پنج میلیارد و ۸۳۹ میلیون دلاری طی ۳۰ سال مورد بررسی بوده و ۲/۴ برابر شده است. صادرات خدمات که شامل دریافت‌های صورت گرفته بابت سرفصل‌های کرایه حمل و بیمه، خدمات مسافرت، مسافرت، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری، سایر خدمات دولتی و خصوصی است طی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۴۲۱۹، ۷۹۸، ۱۲۳۵، ۶۹۰۵ و ۱۰۰۵۸ میلیون دلار.

افزایش ۶۵ میلیارد و ۹۰۷ میلیون دلاری صادرات نفت

برابر نماگرهای بانک مرکزی مجموع دریافت‌های ارزی صورت گرفته بابت فروش نفت (سرمایه ملی) از ۱۵ میلیارد و ۶۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۸۱ میلیارد و ۵۶۷ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۸۶ بالغ شده و دارای افزایش ۶۵ میلیارد و ۹۰۷ میلیون دلاری در دوره ۳۰ ساله مورد بررسی بوده و ۵/۲ برابر شده است. جمع دریافت‌های ارزی صورت گرفته بابت فروش نفت (ثروت ملی) طی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ به ترتیب سال برابر است با ۱۵۶۶۰، ۱۲۰۳۷، ۱۴۳۳۳، ۳۶۳۱۵ و ۸۱۵۶۷ میلیون دلار.

یکشنبه، ۸ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ اوت ۲۰۰۹

پنج هزار مکان تاریخی و فرهنگی در تهران تخریب شده

روزنامه همشهری: اگر در اثر شنیدن این خبر که طی هفت‌سال گذشته حدود پنج‌هزار مکان تاریخی و فرهنگی در تهران تخریب شده، دچار سکت قلبی نشدید؛ اجازه دارید این گزارش را تا انتها بخوانید! این یعنی قلب شما به اندازه کافی سالم است و می‌توانید شاهد مرگ هویت تاریخی تهران باشید.

ما در ویژه‌نامه همشهری مسافر قصد داریم بدون مشوش کردن اذهان عمومی، فریاد بزنیم: «به دادمان برسید! تهران، حافظه تاریخی‌اش را از دست داده است!» کافی است با نگاه خریدارانه، یک‌دور بزنید توی همین شهر تهران و از خودش بخواهید که حال و روزش را برایتان تعریف کند.

شده و از آنها بهره‌برداری شود، چرا که هویت شهر تهران در این اماکن نهفته است.» به گفته وی، طی هفت سال گذشته حدود پنج هزار مکان تاریخی و فرهنگی در تهران تخریب شده است. تخریب یک مکان تاریخی تنها تخریب یک ساختمان قدیمی نیست! شاید حقیقت تلخی باشد دانستن این که اگر یک شهر میراث تاریخی خود را حفظ نکند، میراث فرهنگی هم نخواهد داشت. قلی‌نژاد، مدیرکل سابق بافت‌های تاریخی کشور، میراث فرهنگی را ارزش‌هایی می‌داند که هر کشور به‌واسطه آن از دیگر کشورها متمایز می‌شود:

«میراث فرهنگی در بخش ملموس خود، از اشیای تاریخی آغاز می‌شود و به بناها، محوطه‌ها و سپس شهرهای تاریخی می‌رسد. در واقع شهر شکلی از میراث ملموس غیرمنقول است که بستری برای ظهور و بروز گونه‌های دیگر چون شعر، ترانه، موسیقی و همه آن چیزهایی می‌شود که با عنوان میراث معنوی می‌شناسیم، چرا که اگر شهری نباشد، مردمانی وجود ندارند که آداب و رسوم و ادب و هنری داشته باشند.»

یکشنبه، ۸ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ اوت ۲۰۰۹

به دختر جانباز جنگ تجاوز کردند و جسدش را با اسیدسوزاندند

اکثر کسانی که به صورت مخفیانه و بی‌نام و نشان در بهشت زهرا دفن شدند، دخترانی هستند که مورد تجاوز وحشیانه نیروهای امنیتی و شبه نظامی قرار گرفته‌اند و دفن شبانه و غیرقانونی آن‌ها نیز برای جلوگیری از افشای ابعاد جنایات رخ داده صورت گرفته است.

سایت موج آزادی: یک دختر دیگر، همچون «ترانه موسوی»، قربانی جنایت پیشگی برخی بسیجیان شده و پس از آن هم جنازه وی با اسید سوزانده شده و در نهایت بدون حضور خانواده‌اش به صورت مخفیانه در قطعه ۳۰۲ بهشت زهرا دفن شده است. جالب است؛ تقدیر این بوده که خبر این جنایت، درست در روزی منتشر شود که دولت احمدی نژاد نمایش تشکیل کابینه را در دستور کار دارد؛ دولتی که بی‌اغراق با خونریزی و جنایت بر سرکار آمده است.

سعیده پورآقایی (آمایی) دختر جوانی است که اکنون پیکر او در یکی از قبور گمنام قطعه ۳۰۲ بهشت زهرا دفن شده است. سعیده پورآقایی تنها فرزند جانباز شهید عباس پورآقایی (آمایی) است که در یکی از شب‌های پس از کودتا در حالی که به شعارهای شبانه بر پشت بام خانه‌شان در خیابان دولت تهران

دوران باستانی تمدن تهران نامید. «تمدن تهران» کلمه غریبی است! انگار به قیافه این شهر شلوغ خیلی نمی‌آید که تمدن خاصی برای خودش داشته باشد،

اما حقیقت این است که دارد. کافی است سری به دوران اسلامی در شهرری بزنیم تا ردپای عمده‌ترین دانشگاه‌های سرزمین اسلامی، بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها را در شهرری، یعنی بستر فرهنگی تهران ببینیم. در این زمان شهرری، ذکریای رازی را تقدیم تمدن بشر می‌کند.

ری، شهری بزرگ است با محلات مختلف، دارای برج و بارو و دژ و کهندژ و دروازه‌های متعدد، بر سر راه ابریشم و شاهراه خراسان و مصلی که شرق و غرب را به هم متصل می‌کند. ما کجا ایستاده بودیم و حالا کجا هستیم؟ شاید هنوز هم دیر نشده باشد. شورای شهر تهران دستش را روی زانویش گذاشته و قصد دارد برای بازگرداندن تمدن این شهر کهن تسهیلات ویژه‌ای را به ساکنان پایتخت ارایه بدهد تا باقی‌مانده اماکن تاریخی تهران حفظ شود و یا حتی اماکنی که با این روند در حال نابود شدن هستند، احیا شوند.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تهران همین چند روز قبل از اعطای تسهیلات تشویقی برای حفظ و احیای اماکن تاریخی و فرهنگی شهر تهران خبر داد. به گفته رسول خادم، این تسهیلات بدون هیچ‌گونه محدودیتی به متقاضیان داده می‌شود. تهران به لحاظ هویت شهری، فرهنگی و اجتماعی در موقعیت مهمی قرار دارد که توجه به حفظ و احیای اماکن تاریخی، تأثیر به‌سزایی در حفظ هویت شهری در سال‌های آینده دارد.

شورای شهر ۲۰ درصد تخفیف در عوارض اماکن فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته است که بعد از ۵ سال از بهره‌برداری این اماکن، اخذ می‌شود. برای ساخت سینما در اماکن تاریخی معادل ۱۰۰ درصد فضای تجاری به فضای نمایشی داده می‌شود. ضمن این‌که هیچ‌گونه عوارضی را نیز پرداخت نمی‌کنند.

اگر در فضاهای تاریخی واجد شرایط، به فعالیت‌های ورزشی پرداخته شود، مالکان می‌توانند از تسهیلات تشویقی استفاده کنند. ضمن این‌که عوارض ساخت و ساز پنج درصد است و می‌توانند ۱۰ تا ۱۵ درصد فضای تجاری نیز احداث کنند. خادم با اشاره به دوهزار مکان تاریخی شناسایی‌شده در تهران تأکید می‌کند:

«متأسفانه به دلیل ثبت نشدن این اماکن، آسیب‌هایی به آن‌ها وارد شده است. بسیاری از اماکن تاریخی تهران باید احیا

همچنین جدا از این قبرهای بی‌نام و نشان، از وجود یک گور دسته‌جمعی در نزدیکی بهشت زهرا مطلع شده ایم که به محض تأیید و دریافت جزئیات بیشتر، این گزارش نیز به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

یکشنبه، ۸ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ اوت ۲۰۰۹

وبلاگ؛ تأیید رسمی تجاوزها از تریبون نماز جمعه

وبلاگ سهرابستان

روز جمعه ششم شهریور، احمدی نژاد رسماً از تریبون نماز جمعه تجاوز به زندانیان در بازداشتگاههای جمهوری اسلامی را تأیید کرد. وی بصراحت اعلام می‌کند که «اقدامات زشتی» در بازداشتگاهها انجام شده که منظور وی از این اقدامات زشت همان تجاوزات گسترده به زندانیان است، گرچه وی در ادامه بلافاصله دامن نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی را از این اقدامات شرم آور پاک می‌داند. وی می‌گوید: «حوادث بدی اتفاق افتاد، حوادث بسیار تلخ بود، عده‌ای به کوی دانشگاه حمله و کارهای زشتی کردند، در برخی بازداشتگاهها اقدامات زشتی انجام شد، می‌خواهم اعلام کنم این کارهایی که در کوی دانشگاه و بازداشتگاه و امثال این انجام شد اینها هم اجزای سناریوی دشمن بود، ساحت نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی ما از این اقدامات شرم آور مبری است.»

هذیان گوئی‌های رهبر به احمدی نژاد هم سرایت کرده و ظاهراً «به نفهمی زدن خود» مد روز نظام می‌باشد. ابتدا که بشدت و با قاطعیت تمام، موضوع تجاوز را رد کردند و اعلام نمودند که بررسی کرده‌اند و چنین چیزی دروغ محض است. بتدریج که تعداد افراد مورد تجاوز قرار گرفته و مدارک و شواهد آنقدر بالا گرفت که امکان تکذیبش نبود بناچار وجود آنرا پذیرفته ولی تقصیر آنرا بر گردن دشمن می‌اندازند.

نظام این حقیقت تلخ را باجبار می‌پذیرد که در زندانها «اقدامات زشت و شرم آور» اتفاق افتاده ولی در عین حال ابراز می‌دارد که نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی در آن نقشی نداشته‌اند!

به هر حال حکومت فعلی حکومتی مبتنی بر معجزه‌ها است و آخرین معجزه این حکومت نیز همین است که در زندانهای تحت مسئولیت رهبر و نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی زندانیان بطور گسترده مورد تجاوز قرار گرفته‌اند ولی نه توسط زندانبانان و بازجویان، که از پرسنل نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی هستند، بلکه توسط دشمن!

مشغول بود، از سوی نیروهای لباس شخصی وابسته به بسیج دستگیر شد و پس از ۲۰ روز جنازه او در یکی از سردخانه‌های جنوب تهران از سوی مادرش شناسایی شد. اما مسئولان ذی‌ربط از تحویل جنازه به مادرش خودداری کردند و حالا پس از هفته‌ها بی‌خبری خانواده‌اش مطلع شده‌اند او به صورت مخفیانه در قطعه ۳۰۲ بهشت زهرا به خاک سپرده شده است.



خانواده سعیده طی هفته‌های اخیر به شدت تحت فشار بودند تا از افشای ماجرا خودداری کنند. اما بالاخره سکوت درباره این ماجرا شکسته شد و ماجرای تأسفبرانگیز ظلمی که بر این فرزند شهید رفته، از سوی برخی افراد مطلع، شرح داده شده است.

به گفته مطلعان، سعیده پورآقایی پس از بازداشت مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفته و سپس به قتل رسیده است. متجاوزان جنازه وی را از زانو به بالا در اسید سوزانده‌اند تا آثار این جنایت شنیع به صورت کامل از بین برود. سپس خانواده وی تحت فشار قرار می‌گیرند تا علت مرگ دخترشان را بیماری شدید کلیوی اعلام کنند.

این موضوع در حالی اتفاق می‌افتد که جنازه سعیده اساساً به خانواده تحویل نشده است و شنیدن خبر بیماری سعیده موجب تعجب اقوام وی شده است که اطمینان دارند سعیده سابقه‌ای هیچ نوع بیماری نداشته است؛ و همین دروغ بود که در نهایت به افشای ماجرا منجر شد.

لازم به ذکر است که برخی اطلاعات تازه که به محض تکمیل منتشر خواهد شد، نشان می‌دهد اکثر کسانی که به صورت مخفیانه و بی‌نام و نشان در بهشت زهرا دفن شدند، دخترانی هستند که مورد تجاوز وحشیانه نیروهای امنیتی و شبه نظامی قرار گرفته‌اند و دفن شبانه و غیرقانونی آن‌ها نیز برای جلوگیری از افشای ابعاد جنایات رخ داده صورت گرفته است.

انتقال دستگیر شدگان عمل کرده اند، عملیاتی که بدون دستور فرمانده کل قوا امکان اجرای آن به هیچ وجه وجود ندارد.

دقیقاً همین پناه بردن به آژایمر در مواقع ضروری، ده سال پیش نیز اتفاق افتاد و نیروهای سپاه و بسیج تحت حمایت یگان ویژه نیروی انتظامی در ۱۸ تیر به کوی دانشگاه حمله کرده و فاجعه آفریدند، در روزهای بعد که خشم دانشجویان و مردم از این جنایت اوج گرفت و قصد راهپیمایی بسوی بیت رهبر را داشتند، خامنه ای در آن سخنرانی معروف که با گریه و اشک و آه برای دانشجویان همراه بود گفت که این رویداد قلبش را جریحه دار کرده است. وی حمله به کوی دانشگاه که خودش دستورش را داده بود محکوم کرد و خواستار رسیدگی و محاکمه مسببین جنایت شد. با فرمان قاطع رهبر، دادگاهی برای متهمین درجه چهارم حمله به کوی برگزار و در انتها، طی یک حکم انقلابی، سربازی بنام «عروجعلی بیرزاده» به جرم سرقت ریش تراش از کوی دانشگاه به ۲ ماه حبس محکوم شد. و این بود فرجام اشکهای تأسف رهبر بر قربانیان کوی و جریحه دار شدن قلبش و فرمان قاطعش برای مجازات مسببین! اینهمه گرد و خاک رهبر در ماجرای ۱۸ تیر فقط گریبانگیر عروجعلی بیچاره شد که یک تنه به کوی دانشگاه حمله و باندازه چند هزار نفر نیروی نظامی آنجا را تخریب نموده و دانشجویان را کتک زده و از طبقات بالا به بیرون پرتاب کرده بود.

این تازه حکایت ۱۸ تیر بود که قلب رهبر هم جریحه دار شده بود، اینبار که ظاهراً قلبشان هم جریحه دار نشده و بعید است که حتی به عروجعلی هم گیر بدهند.

نادان و احمق بودن عیب نیست اما دیگران را نادان و احمق فرض کردن جنایت است.

ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم

گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم

دوشنبه، ۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۱ اوت ۲۰۰۹

آمریکا: رژیم تهران به گسترش برنامه اتمی ادامه می دهد

نیویورک، ۹ شهریور، خبرگزاری «ریا نووستی»/ نماینده دولت آمریکا در رابطه با گزارش تازه «محمد البرادعی» دبیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی که در وین منتشر شده است، اعلام داشت که ایران همانند سابق بطور کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری نمی کند، این مطلب را پایگاه اطلاع رسانی روسی «روس بالت» اطلاع داد.

در مملکتی که ولایت فقیه در آن حاکم باشد از این معجزات زیاد اتفاق می افتد. دختران و پسران مردم را بجرم اینکه حقشان را می خواهند دستگیر و زندانی نموده و در کنار شکنجه های وحشیانه، آنها را برای خرد کردن شخصیتشان مورد تجاوز قرار می دهند بدون آنکه حتی یک نفر از نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی در این کار دخیل باشد.

کوی دانشگاه مورد حمله مغولهای وحشی ولایت قرار می گیرد و هم رهبر دلش از این کار بدرد می آید و هم سایر مسئولین. نیروی انتظامی که از ابتدا اعلام کرد در حمله به کوی شرکت نداشته و فرمانده سپاه نیز امروز با شرکت در مسابقه «به نفهمی زدن خود» ابراز کرد که هیچ یک از نیروهای بسیج و سپاه در حمله به کوی شرکت نداشته اند.

در حال حاضر مظنونین اصلی حمله به کوی دانشگاه و «اقدامات زشت و شرم آور» در زندانها، رفتگران شهرداری، معلمین و اساتید دانشگاه، وکلا و حقوقدانان و حوزه علمیه قم هستند زیرا در این مورد هنوز اطلاعیه ای نداده و حضور خود در این جنایات را تکذیب نکرده اند. عدم مشارکت نیروهای امنیتی و نظامی و اطلاعاتی، با توجه اظهارات خامنه ای و احمدی نژاد و فرمانده نیروی انتظامی و فرمانده سپاه، که همه ملت ایران به راستگویی آنها ایمان داشته و تا امروز دروغی از آنها نشنیده اند، محرز است.

با توجه به اینکه بیماری مسری و خطرناک آژایمر خوکی در حال حاضر در بین سران نظام در حال گسترش می باشد، فقط برای کمک به مبتلایان به این ویروس خطرناک، لازم به یادآوری است که تصمیم حمله به کوی دانشگاه در جلسه مورخه ۲۳ خرداد شورای تامین استان تهران تحت عنوان «پیشگیری از اغتشاش در دانشگاه تهران» مطرح و نتیجه تصمیمات توسط نمایندگانه منتخب این جلسه در حضور رهبر مطرح و پس از تأیید وی و تأکید او بر اینکه «چشم فتنه» باید کور شود، برای اجرا به فرمانده سپاه و فرمانده بسیج و فرمانده نیروی انتظامی ابلاغ و قرارگاه ثارالله نیز بعنوان ستاد هماهنگ کننده این عملیات تعیین گردید.

برای انجام این عملیات یکی از گسترده ترین لشگرکشی های نظامی در شهر تهران صورت گرفته و علاوه بر تمامی نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی، نیروهای لباس شخصی بیت رهبری و چندین گردان نیروهای سپاه و واحدهایی از بسیج تحت امر قرارگاه ثارالله با وظایفی گوناگون از برقراری تأمین منطقه و پشتیبانی نزدیک گرفته تا ورود به کوی و تخریب و دستگیری و

مقایسه سطح معیشتی خانواده های ارتشی و سپاهی اختلاف طبقاتی میان آنها در رده های میانی و پایین ارتش سبب اعتراض و نارضایتی گسترده در میان پرسنل ارتش شده است. از بین رفتن مشکوک نیروهای کارآمد و تاثیر گذار ارتشی در اوایل انقلاب و در دوران جنگ باعث بازشدن مسیر برای دستیابی سپاهیان بود که خوش خدمتی ها، جنایت و آدم کشی های آنها در کردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان و یا در زندان های رژیم پست و مقام را طلب می کرد.

یکشنبه، ۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ سپتامبر ۲۰۰۹

هشدار دانشجویان: دانشگاه انبار باروت است

بیانیه دهها فعال دانشجویی دانشگاه های تهران: برخورد با دانشجویان را متوقف کنید، دانشگاه انبار باروت است. دهها فعال دانشجویی دانشگاه های تهران با صدور بیانیه ای، حاکمان را خطاب قرار دادند و به آنها هشدار دادند که با نابرداری، سکوت دانشگاه و جامعه را به فریاد تبدیل نکنند. نویسندگان این بیانیه تصریح کرده اند که «در صورت ادامه دادن روند فعلی برخورد با فعالان دانشجویی و ستاره دار، محروم از تحصیل و یا زندانی کردن آنها» به مقابله خواهند پرداخت. متن کامل این بیانیه را بخوانید:

حوادث و اتفاقات رخ داده پس از انتخابات بار دیگر چهره ای هولناک و خشن از نظامی را به مردم نشان داد که ادعای حق طلبی و خدانشناسی اش گوش فلک را کر کرده است. در دوران حاکمیت کلیساها در اروپا که تمام دنیا شاهد بودند که دخالت دین در سیاست چه ها که بر سر مردم نیورد و اروپا با گذر از آن دوران سخت و پرداخت هزینه هایی به عظمت چند قرن فلاکت در نهایت با کنارگذاشتن مانع بزرگی به نام دین از سر راه بشریت به اوج رسیده است. و حال ما در حال تجربه کردن همان بلایا هستیم، گویی ما هرگز قصد نداریم از تجربیات دیگران استفاده کنیم و راه درست را تشخیص دهیم. ارزش و جایگاه دین چنان بالاست و نیاز بشریت به آن چنان شدید است که کوچکترین خدشه و تعرضی به آن لطمات جبران ناپذیری را به فرهنگ و باور مردم وارد می کند.

نظام جمهوری اسلامی با سو استفاده از باورهای مردم و به نام اسلام و امام زمان چنان ظلم هایی را به مردم خود روا داشته است که به گواه تاریخ تاکنون هیچ نظامی بر ملت خود چنین فجایعی را به این صورت روا نداشته است. کشت و کشتارها، دستگیری های بی حساب و کتاب، شکنجه ها، تجاوزات

نماینده دولت آمریکا گفت: «گزارش نشان می دهد که ایران به گسترش برنامه هسته ای خود ادامه می دهد و همچنان از همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی امتناع می کند.» به گفته وی، گام های اخیر تهران «با تأخیر و محدود» بودند و بطور کامل پاسخگوی مطالبات قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد نبودند.

سه شنبه، ۱۰ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ سپتامبر ۲۰۰۹

وزیر دفاع سپاهی و نارضایتی در میان سران ارتش

حامد - تهران

امروز سردار وحیدی از بنیانگذاران وزارت اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه به عنوان وزیر پیشنهادی دولت احمدی نژاد به مجلس معرفی شد. این اولین بار نیست که یک سپاهی به عنوان وزیر دفاع معرفی می شود، اساساً عدم اعتماد به نیروهای ارتشی از ابتدای انقلاب تاکنون مشهود است. از انتصابات در رده های بالای حکومتی گرفته تا تقسیم بودجه میان سازمان های نظامی، ارتش همیشه در پایین ترین جایگاه نیروهای نظامی در ایران قرار داشته است و به قول معروف ارتش هیچ وقت در نظام جمهوری اسلامی «بازی نیست». دستیابی نیروهای سپاه به منصب های بالای حکومتی نارضایتی عمیقی را در میان امیران ارتش به وجود آورده است. اعتراضات و کنایه های آنها در جلسات خصوصی گویای این مدعا است. امیرانی که با تحصیل در دانشگاه افسری و گذراندن دوره های عالی و دافوس با کسب علم و تخصص به طور همزمان، تجربه های عملیاتی نیز کسب کرده اند امروز تنها نظاره گرند که در نظام ولایتی تمسک بر تخصص ارجحیت دارد. فرق گذاشتن میان نیروهای سپاهی و ارتشی فقط محدود به دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد نبود بلکه در دوران ریاست خاتمی نیز یکی از سرداران سپاه به نام علی شمخانی که سال ها در این سازمان خدمت می کرد با دریافت درجه دریابانی (سرلشگری) از سوی فرمانده کل قوا در سال ۱۳۷۸ بدون طی دوره های خاص نظامی به نیروی دریایی ارتش منتقل شد و پس از آنکه در انتخابات ریاست جمهوری توفیقی نیافت و به عنوان وزیر دفاع خاتمی منصوب شد.

از نظر تبلیغات نیز اگر در سپاه یا بسیج کوچکترین فناوری حتی در حد مونتاژ صورت گیرد تمام رسانه ها این اتفاق را به صورت مکرر منعکس می کنند اما مشاهده می کنیم که ارتش گویی سازمانی است که از آن فقط یاد و خاطره باقی مانده است.

انتظار می‌رود طی سال آینده کسری بودجه ایران افزایش چهار هزار و ۵۵۹ میلیارد ریالی پیدا کرده و به ۴۴۱ هزار و ۶۹۲ میلیارد ریال برسد که روند نزولی این شاخص را در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۶ هزار و ۴۴۵ میلیارد ریال می‌رساند.

در سال ۱۳۹۱ کسری بودجه ۳۸۰ هزار و ۶۹۱ میلیارد ریالی برای کشور به ثبت خواهد رسید که با تداوم روند نزولی در سال ۱۳۹۲ به ۳۶۹ هزار و ۴۵۴ میلیارد ریال خواهد رسید. بیزینس مانیتور همچنین اعلام کرده است که تراز بودجه ایران در سال جاری معادل منفی ۱۳,۲ درصد و در سال آینده برابر با منفی ۱۱,۶ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد بود که در سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ به ترتیب به منفی ۹,۵، منفی ۷,۲ و منفی ۶,۱ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید.

سه شنبه، ۱۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۸ سپتامبر ۲۰۰۹

آماده شدن ارتش روسیه برای حوادث احتمالی پائیز امسال

نیروی هوایی روسیه از مانور گسترده نیروهای استراتژیک موشکی در ماه سپتامبر خبر داد.

به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری ریانووستی، سخنگوی نیروهای استراتژیک موشکی روسیه دوشنبه اعلام کرد که این نیروها از هشتم تا یازدهم سپتامبر سال جاری مانور گسترده فرماندهی- ستادی برگزار خواهند کرد که در آن بیش از دو هزار نظامی شرکت می‌کنند.

این مقام روس گفت: «در جریان این مانور امور مربوط به انجام عملیات نظامی با استفاده از تسلیحات متعارف و هسته‌ای انجام خواهد شد.»

گفته شده که برای انجام این مانور از ارگان‌ها و واحدهای هدایت فرماندهی نیروهای استراتژیک موشکی روسیه، بخش‌ها، پادگان‌ها و یگان‌های نظامی استفاده خواهد شد.

به گفته مقام‌های رسمی، این مانورها تحت فرماندهی فرمانده کل نیروهای استراتژیک موشکی روسیه و بر اساس برنامه آموزشی آنها برگزار می‌شود.

و بسیاری ظلم‌های دیگری که در این مدت شاهد آن بودیم مجدداً بر جهانیان صحت تئوری جدایی دین از سیاست را ثابت کرد. در این میان برخوردهای خشن و به دور از هرگونه منطق با دانشگاه و دانشگاهیان نشانه دیگری از عدم بلوغ سیاسی حاکمان و عدم درک صحیح آنها از شرایط جامعه دانشگاهی دارد. برخوردهایی که اخیراً و با نزدیک شدن شروع سال تحصیلی و در راستای تصفیه حساب با جامعه دانشگاهی شروع شده را گام دیگری در راستای تکمیل پروژه کودتاگونه حاکمیت می‌دانیم و اعتقاد داریم که اینگونه حرکتها هدفی جز ایجاد ارباب در محیط دانشگاه و امنیتی کردن فضا و نیز جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه اعتراضات به کودتای ۲۲ خرداد در دانشگاهها می‌باشد.

بدینوسیله به حاکمان به شدت هشدار می‌دهیم که در صورت ادامه دادن روند فعلی برخورد با فعالان دانشجویی و ستاره دار، محروم از تحصیل و یا زندانی کردن آنها بی شک ما دوستان، همراهان و همکلاسی‌هایمان را تنها نخواهیم گذاشت و با هرگونه برخورد با بدنه جنبش دانشجویی به مقابله خواهیم پرداخت و برای حمایت از آنها سنگر دانشگاه را دوباره فعال خواهیم کرد. شک نداریم که کودتاچیان از به خروش در آمدن مجدد دانشگاه که قطعاً با خروشی راسخ از طرف جامعه که در حال حاضر چون انبار باروتی در انتظار کوچکترین جرقه ایست همراه خواهد شد، به شدت واهمه دارند. ما نیز حاکمان را از این امر بر حذر می‌داریم و به آنها توصیه می‌کنیم با نابخردی‌های خود سکوت دانشگاه و جامعه را به فریاد تبدیل نکنند و هرچه سریعتر برخورد با دانشجویان را متوقف کنند و بدانید که «دانشگاه هنوز زنده است» و از حرکت نخواهد ایستاد.

جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و شریف

یکشنبه، ۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۶ سپتامبر ۲۰۰۹

بیزینس مانیتور: افزایش ۲,۱ برابری کسری بودجه ایران

مؤسسه بیزینس مانیتور در تازه‌ترین گزارش خود از افزایش ۲,۱ برابری کسری بودجه ایران در سال جاری خبر داد. مؤسسه معتبر اقتصادی بیزینس مانیتور در گزارش سه ماهه سوم ۲۰۰۹ خود میزان کسری بودجه ایران در سال گذشته را ۱۹۹ هزار میلیارد ریال برآورد و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری به ۴۳۷ هزار و ۱۳۳ میلیارد ریال برسد که افزایش بیش از ۲,۱ برابری نشان می‌دهد.

ایران به اجلاس دریای خزر دعوت نمی شود

سایت حکومتی تابناک: کشورهای حاشیه دریای خزر تصمیم گرفتند که ایران را در جلسه کشور های دریای خزر پنجشنبه برگزار می شود، شرکت ندهند.

روزنامه آمریکایی « لس آنجلس تایمز » و همچنین شبکه خبری « پرس تی وی » که وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است این خبر را مخابره کرده اند. منوچهر متکی وزیر خارجه ایران در واکنش به این خبر به « پرس تی وی » گفته است که، « ایران از این تصمیم روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بسیار خشمگین است ». وی همچنین اظهار کرده است که، « این جلسه بدون حضور ایران لطمه ای به منافع ملی این کشور است. »

این چهار کشور تصمیم گرفته اند که ملاقات کشور های حاشیه دریای خزر را بدون حضور ایران در قزاقستان برگزار کنند. بر پایه این گزارش، وزیر خارجه قزاقستان در واکنش به اظهارات همتای ایرانی خود گفته است که، « این جلسه، جلسه ای غیر رسمی است که در آن درباره همکاری های منطقه ای بحث خواهد شد و صحبتی از تقسیم دریای خزر و سواحل آن نخواهد شد. »

این گزارش همچنین می افزاید که، تهران این جلسه را تلاشی برای نادیده گرفتن ادعاهای ایران در دریای خزر توسط کشورهای همسایه خود می داند و با توجه به اینکه، ایران و روسیه تنها کشور هایی هستند که دارای بندر برای صادرات انرژی از این دریا می باشند، ایران بیشتر نگران طمع ورزی های روسیه است، چرا که ممکن است روسیه سه کشور دیگر را متقاعد کند که ایران را از خط لوله ای که در آینده ممکن است از این دریا کشیده شود، کنار بگذارند.

به نظر می رسد برگزاری چنین دیداری می تواند فتح بابی برای آغاز مناقشات در این منطقه باشد، چرا که هر کشور دیگری نیز می تواند بعد ها دیداری را در غیاب یک یا دو کشور حاشیه دریای خزر برگزار کند و این دور تسلسل دریای خزر که به دریای صلح موسوم است را دچار اغتشاش کند. البته روسها نیز اخیراً از افزایش نفرت افکار عمومی ایران از آن کشور بیشتر مطلع شده اند که باید دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دقت و وسواس خاصی تحرکات سیاسی این کشور را بررسی نماید.

بسته پیشنهادی رژیم: سولانا: پاسخی به مسئله هسته ای نیست

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بروکسل، سخنگوی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا امروز در واکنش به بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی گفت، رژیم تهران به موضوع هسته ای پاسخ نداده است، در این بسته پاسخی به مسئله هسته ای دیده نمی شود.

سخنگوی سولانا گفت، ما بسته پیشنهادی رژیم تهران را بررسی کردیم، ولی پاسخی به مسایل مربوط به فعالیتهای هسته ای آنها در آن ندیدیم.

خبرگزاری فرانسه نوشت، روز گذشته یک مقام آمریکایی نیز در این باره گفته بود حقیقتاً هیچ چیز جدیدی در بسته پیشنهادی آنها وجود ندارد.

یک دیپلمات فرانسوی نیز گفت، در این بسته هیچ چیز جدیدی نیست. هیچ اشاره ای به توقف برنامه های حساس هسته ای از جمله غنی سازی اورانیوم نشده است.

کاخ سفید واشنگتن شب گذشته به رژیم تهران هشدار داد چنانچه برنامه هسته ای خود را متوقف نکند با انزوای بیشتر و تحریمهای شدیدتری روبرو خواهد شد.

بحران هسته ای؛ ۱+۵ خواهان دیدار فوری با رژیم تهران

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از بروکسل نوشت، در پی ارائه بسته جدید پیشنهادی رژیم تهران به کشورهای گروه پنج بعلاوه یک در باره برنامه هسته ای، گروه مزبور خواهان دیدار فوری با نماینده رژیم تهران شده است.

سخنگوی خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این باره گفت، اعضای گروه پنج بعلاوه یک امروز تلفنی درباره بسته پیشنهادی رژیم تهران گفتگو کردند و از آنجا که در این بسته پیشنهادی هیچ اشاره ای به نگرانی های بین المللی از برنامه هسته ای رژیم تهران نشده است، آنها خواهان دیدار هرچه سریعتر با نماینده این رژیم برای روشن شدن پاسخ جمهوری اسلامی شده اند.

کشورهای غربی می گویند رژیم تهران باید پاسخ خود را تا اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک (۱۲ روز دیگر) ارائه دهد.

به گفته افرادی که در مراسم شب قدر مسجد قبابی بهاران سنندج حضور داشتند، افرادی ناشناس با مراجعه به درب منزل وی و به بهانه پرسش سؤال شرعی و دینی از منزل خارج و وی را به قتل رساندند. ماموستا عالی یکی از روحانیون کردستان بود که در جریان انتخابات برای احمدی‌نژاد کار می‌کرد. این اتفاق دومین حادثه‌ای است که بعد از ترور نافرجام قاضی دادگاه انقلاب سنندج در طول چهار روز گذشته در سنندج روی داده است.

دوشنبه، ۲۳ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹

کوتاهی درباره دریای خزر پذیرفتنی نیست

روزنامه آفتاب یزد: یک کارشناس مسائل سیاسی اظهار داشت که در مسئله دریای مازندران، استقلال ملی و هویت تاریخی به نحو مضاعفی مورد حمله قرار گرفته و هرگونه کوتاهی در این مورد، با شعارهای پیشین منافات دارد و پذیرفتنی نیست. هوشنگ طالع در گفت‌وگو با ایلنا، افزود: کشورهای حاشیه این دریا بر اساس توافق‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ دارای ۵۰ درصد سهم از حاشیه دریای مازندران هستند و فقط حق دارند درباره این سهم مذاکره کنند. وی افزود: رژیم حقوقی دریا بر این معاهده استوار است و حتی زمانی سفیر شوروی سابق بااستناد به همین مسئله پیشنهاد داد که نام این دریا به دریای ایران و شوروی تغییر یابد. طالع اظهار داشت: جمهوری‌های نواحی که اینک مدعی سهم از حاشیه دریای مازندران شده‌اند، براساس توافقات مینسک و آلماتی اعلام کرده‌اند که میراث‌دار شوروی سابق هستند، بنابراین با استناد به همین توافق‌نامه‌ها باید اکنون نیز در مجموع مدعی همان ۵۰ درصد سهم شوروی سابق باشند. وی ادامه داد: اسناد ایران در این زمینه به معنای سند مالکیت است و ما باید با درس عبرت‌گرفتن از قضایایی چون مسئله بحرین، مقتدرانه درباره سهم ۵۰ درصدی خود صحبت کنیم. این پژوهشگر مسائل سیاسی و اقتصادی افزود: روس‌ها درباره چند جزیره کوچک که روی نقشه به سختی قابل دید است، سال‌ها درحال چانه‌زنی با ژاپن هستند، دانمارک و ایسلند هم چنین مسائلی را میان خود دارند و این مسائل نشان می‌دهد که باید دیپلماسی ایران در این قضیه بسیار جدی باشد. وی با تأکید بر اینکه منافع ملی نباید فدای ملاحظات سیاسی باشد، خاطرنشان ساخت: روسیه اساساً در صحنه سیاست بین‌الملل بازیگر مهمی نیست و مشکلات روابط ایران و آمریکا باعث شده این کشور در

این در حال است که رژیم تهران توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم و گفتگو در باره آن را رد کرده است. خامنه‌ای امروز در نماز جمعه تهران گفت، جمهوری اسلامی باید محکم بر سر مواضع خود در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای بایستد و عدم ایستادگی در این مورد یا در موارد دیگر، انحطاط رژیم را بدنبال خواهد داشت.

یکشنبه، ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۹

تکذیب پیشنهاد اوپاما برای فروش ۲۰ فروند هواپیما به ایران

خبرگزاری مهر: سرپرست سازمان هواپیمایی کشوری برخی اخبار مبنی بر پیشنهاد رئیس جمهور آمریکا به ایران برای تحویل ۲۰ فروند هواپیمای بوئینگ را تکذیب کرد. محمد علی ایلخانی در پاسخ به این پرسش که آیا رئیس جمهور آمریکا به ایران برای تحویل ۲۰ فروند هواپیمای بوئینگ نو پیشنهادی ارائه کرده است؟ گفت: این خبر صحت ندارد. گفتنی است، پیشتر خبرگزاری فارس به نقل از آنچه یک منبع آگاه خواند، گزارش داده بود: رئیس جمهور آمریکا برای جلب نظر ایران به انجام مذاکره، معادل ۲/۵ میلیارد دلار بوئینگ و قطعات هواپیما به ایران تحویل می‌دهد. این منبع گفت: پیام‌های رئیس جمهور آمریکا به ایران برای تحویل این هواپیماها بعد از قطعی شدن انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم ایران فرستاده شده است. وی اظهار داشت: قیمت حداقل این هواپیماها ۷۵ میلیون دلار و حداکثر ۱۲۰ میلیون دلار است که تخمین زده می‌شود تعداد این هواپیماها ۲۰ فروند باشد. این منبع یادآور شد: برخی از این هواپیماها و قطعات آن در حال تحویل از طریق کشور ونزوئلا به ایران است.

یکشنبه، ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۹

امام جمعه رژیم در سنندج (حامی احمدی نژاد) ترور شد

خبرگزاری حکومتی فارس: امام جمعه موقت سنندج و بهاران این شهر ساعت ۲۳ شنبه در منزل شخصی‌اش توسط افرادی ناشناس به قتل رسید. ماموستا برهان عالی بعد از خواندن نماز تراویح به منزل خود مراجعه کرده تا دوباره برای مراسم شب قدر به مسجد برگردد که در این فاصله افرادی ناشناس با شلیک چند گلوله وی را از پای در آوردند.

از مذاکره پنهانی با روسیه، برای حل احترام آمیز این مشکل، سناریوی دخالت روسیه و پس گرفتن مجدد کشتی را طرح ریزی نموده است.

به این ترتیب، روسیه نتوانست سلاح هائی را که بصورت غیر قانونی به ایران می فروخت تحویل دهد و اسرائیل نیز نتوانست، قدرت کنترل خود را ثابت کند و دلایل محکمی برای متقاعد کردن روسیه به عدم صدور اسلحه به ایران ارائه دهد و از تقویت نظامی ایران جلوگیری کند.

ساندی تایمز، نشریه انگلیسی به نقل از یک منبع معرفی نشده موساد، تأکید کرده است که محموله کشتی مذکور، موشک های مؤثر اس ۳۰۰ بوده است. قرار بوده که این محموله توسط گروه های مافیائی از منطقه ای در روسیه، به دست ایران برسد. به نوشته روزنامه نگار لیبراسیون، این ماجرا سفر شیمون پرز را به مسکو و سپس ملاقات بنیامین نتانیاهو را با ولادیمیر پوتین در مسکو توجیه می کند. البته ملاقات اخیر را پوتین تکذیب کرد ولی نشریه روسی کمرسانت بر آن تأکید می کند، هرچند که سخنگوی کاخ کرملین این اخبار را سراسر « گمانه زنی » دانسته است.

دوشنبه، ۲۳ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹

هدیه ۴۰۰ میلیون دلاری احمدی نژاد به برادر چاوز



سایت سلام نیوز: مطابق توافقنامه ای که میان هوگو چاوز رئیس جمهوری ونزوئلا و آقای احمدی نژاد منعقد شد ایران بنزین مورد نیاز خود را ۵۰ درصد گرانتر از ونزوئلا خواهد خرید.

همانگونه که هوگو چاوز در سفر اخیرش به ایران اعلام نمود که این کشور متعهد شده تا هر روز ۲۰ هزار بشکه بنزین

به ایران صادر کند صادراتی که بنابه قول آقای چاوز معادل ۸۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

با یک ضرب و تقسیم ساده و محاسبه هر بشکه ۱۵۸ لیتر و تقسیم آن بر رقم اعلام شده از سوی چاوز به رقم هر لیتر بنزین نزدیک به ۷۰ سنت و یا آنگونه که رسانه های دولتی تأیید نموده اند هر لیتر ۶۹۰ تومان خواهیم رسید.

حوزه دیپلماسی ما اینقدر مهم شود، با این وجود نباید در مورد مسائل ملی ملاحظه رابطه با روسیه را داشت.

دوشنبه، ۲۳ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹

لیبراسیون؛ اسرار کشتی حامل چوب و اسلحه

سایت پژواک ایران

اسرار کشتی حامل چوب و اسلحه برگرفته و ترجمه از

لیبراسیون ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹

چه ارتباطی میان غیبت اسرار آمیز نخست وزیر اسرائیل برای یک دیدار مخفی در مسکو وجود دارد با ربودن یک کشتی باربری مالیتی حامل چوب در اروپا و با فاصله گیری رئیس دولت روس از ایران؟

لیبراسیون با طرح این معما، برای توضیح آن، مسیر کشتی باربری آرکتیک سی ARCTIC SEA را در دریای بالتیک دنبال می کند و می نویسد، تنها داده رسمی در این ماجرا سخنان مقامات روسی است.

مقامات روسی گفته اند که کشتی باربری حامل چوب که مقصد آن الجزایر بوده است، اولین بار در دریای بالتیک و سپس برای بار دوم در پرتقال مورد حمله قرار گرفته است. هدف از این حمله، بصورت رسمی باج خواهی عنوان شده است.

ماجرا از آنجا پلیسی می شود که تفنگداران روسیه بدنبال یکسری عملیات بقول نویسنده لیبراسیون، جیمز باندی با به کارگیری دو زیر دریائی اتمی، کشتی را نجات می دهند و دزدان دریایی که از مناطق شوروی سابق بودند، با شلیک اولین گلوله ها به آسانی خود را تسلیم می کنند.

خبرنگار لیبراسیون، این سؤال را طرح می کند که چرا اینهمه نیرو و تجهیزات برای نجات یک کشتی حامل چوب به کار برده شده؟ در حالی که میزان پول مطالبه شده دزدان دریایی از ارزش کالای انبار شده در کشتی کمتر بوده است؟

در دنباله مقاله می خوانیم که، دو هفته پس از این عملیات سردبیر یک نشریه دریائی که عملیات نظامی تفنگداران روس را بزیر سؤال برده بود، ناچار به پناهندگی در ترکیه شد. تا اینکه ۲۸ اوت برای دومین بار یک روزنامه نگار معروف روس به نام لولیا لاتینا، این ماجرای مرموز را دوباره مطرح کرد. او ادعا کرده است، کشتی مذکور با بار ظاهری چوب، در حقیقت حامل موشک برای ایران و سوریه بوده است. اما سرویس اطلاعاتی اسرائیل موساد که به این مسئله واقف شده بود برای نشان دادن قدرت خود و نشان دادن روسیه بر جای خود، محموله را ربوده و پس

چهارشنبه هفته گذشته نیز دادیار شعبه چهارم دادگاه سنندج از سوی افراد مسلح مورد سو قصد قرار گرفته بود. همچنین در شب بیست و یکم ماه رمضان نیز امام جمعه موقت سنندج ترور شده بود.

پنجشنبه، ۲۶ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۹

یک نماینده مجلس خبرگان رژیم ترور شد

ایرنا: ماموستا « ملامحمد شیخ الاسلام » نماینده استان کردستان در مجلس خبرگان رهبری مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید. وی پنجشنبه پس از اقامه نماز مغرب در مسجد سید قطب سنندج توسط افراد مسلح ناشناس هدف قرار گرفت. در این سوء قصد، ملامحمد شیخ الاسلام که از ناحیه سر مورد اصابت دو گلوله قرار گرفت در دم به شهادت رسید. براساس آخرین اخبار پیکر این شهید روحانی به سردخانه بیمارستان بعثت سنندج منتقل شده است. این سومین حمله مسلحانه در استان کردستان در یک هفته اخیر است. در حملات قبلی، ماموستا « برهان عالی » امام جمعه موقت سنندج که امام جمعه مسجد قبای شهرک بهاران سنندج، عضو شورای افتا و عضو روحانیت سنندج بود، بامداد یکشنبه توسط افراد ناشناس هدف سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید. قاضی کیانی دادیار شعبه چهارم دادگاه سنندج نیز چهارشنبه گذشته در خیابان بعثت شهر سنندج مرکز استان کردستان از سوی افرادی مسلح مورد سو قصد قرار گرفت اما به رغم برداشتن جراحاتی، توانست از این حمله جان بدر ببرد.

خبرگزاری مهر: ماموستا محمد شیخ الاسلام نماینده کردستان در مجلس خبرگان رهبری در پی اقامه نماز مغرب و عشا در مسجد سید قطب سنندج، مقابل این مسجد توسط افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهید شد. راننده خودروی ماموستا شیخ الاسلام با تشریح چگونگی ترور این نماینده مجلس خبرگان خبرداد که ضاربان پس از شلیک یک گلوله به سر این روحانی سوار بر موتور سیکلت گریخته اند.

یکشنبه هفته جاری یکی از امامان جمعه سنندج - ماموستا برهان عالی - نیز ترور شد و به شهادت رسید. همچنین دو نفر از قضات سنندج در ۱۰ روز اخیر مورد ترور های ناموفق قرار گرفتند.

در حالی که بر اساس آخرین آمار امور بین الملل شرکت ملی نفت ایران، بهای هر لیتر بنزین در بازار خلیج فارس روز دوشنبه (۱۶ شهریور) حدود ۴۶۸ تومان (۶۳۴ دلار و ۹۴ سنت هر تن) بوده است.

بازهم با یک ضرب و تقسیم ساده ریاضی این موضوع معلوم می شود که بنزین هدایی از سوی برادر چاوز عملاً ۵۰ درصد گرانتر از نرخ رایج آن در نزدیکترین بازار به ایران خواهد بود و اگر مدت این قرارداد یکسال باشد اضافه پرداخت ایران به آقای چاوز حدود ۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

مضاف بر اینکه فروش بنزین حتی با نرخ رایج بین المللی در چنین حجمی مسلماً سود سرشاری نصیب فروشنده خواهد نمود. سود سرشاری که احتمالاً از نظر آقای چاوز قابل توجه نبوده و به همین دلیل هم احمدی نژاد ناچار به افزایش ۴۰۰ میلیون دلاری آن شده است.

سه شنبه، ۲۴ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۹

آمریکا از فرانسه خواهان استرداد یکی از عوامل رژیم شد

یک نشریه فرانسوی فاش ساخت، ایالات متحده از فرانسه خواهان استرداد فردی شده که گفته می شود در خرید قطعات موشکی و اتمی برای رژیم تهران دست داشته است. فیگارو نوشت، دولت آمریکا خواهان استرداد « مجید کاکاوند » که بیستم ماه مارس گذشته در فرودگاه شارل دوگل پاریس دستگیر شده، می باشد. اما دولت فرانسه از آن بیم دارد که این موضوع منجر به افزایش تنش در روابط با رژیم تهران شود. در جریان دادگاه « کلوتیلد ریس » زن جوان فرانسوی که به اتهام جاسوسی در دادگاه نمایشی تهران محاکمه شد، برخی رسانه ها نوشتند رژیم تهران وی را به منظور ایجاد فشار بر دولت فرانسه برای آزادی « مجید کاکاوند » دستگیر و محاکمه کرده است.

چهارشنبه، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۹

یک قاضی دیگر رژیم در سنندج ترور شد

ایرنا: حسن داوطلب دادیار مجتمع قضایی سنندج حدود ساعت ۹ روز چهارشنبه در مقابل منزل خود هدف سو قصد قرار گرفت. براساس این گزارش وی به بیمارستان بعثت سنندج منتقل شده و به گفته شاهدان از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. مسئولین بیمارستان تاکنون از وضعیت وی گزارشی نداده اند.

آدینه، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹

خبرگزاری فرانسه: معترضان در خیابانهای تهران

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران نوشت، معترضان امروز دوباره به خیابان آمده و شعار می دهند نترسید نترسید ما همه با هم هستیم. آنها همچنین با سردادن شعار خواهان آزادی زندانیان سیاسی شدند. این در حالیست که روز گذشته سپاه پاسداران با انتشار بیانیه ای معترضان را تهدید کرده بود.

آدینه، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹

گزارش کوتاه یکی از خوانندگان از اصفهان

در خیابان چهارباغ عباسی اصفهان شعار مرگ بر روسیه برای دقایقی فضای خیابان را پر کرد که طبق روال همیشه با حضور صدر السادات (فرمانده نیروی انتظامی) مردم را با باتوم و فحش متفرق کردند. الان که حدود ساعت ۱۳ است هنوز مردم بطور پراکنده دارند شعار میدن.

آدینه، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹

گزارش خوانندگان؛ درگیری شدید در میدان ونک

در حال حاضر ساعت ۳:۳۰ در تهران میدان ونک درگیری های گسترده ای بین مردم و نیروهای انتظامی در جریان است که با حمله پلیس به تظاهرات آرام مردم تظاهرات به خشونت کشیده شد و ۲ ماشین ون پلیس در میدان ونک به آتش کشیده شد. همچنین عده ای هم به سمت صدا و سیما حرکت کردند و شروع به سنگ زدن به ساختمان صدا و سیما می کنند. درگیری ها لحظه به لحظه گسترده تر می شود.

آدینه، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹

گزارش کوتاه یکی از خوانندگان از شیراز

من از شیراز برایتان ایمیل می زنم امروز من در راهپیمای روز قدس شرکت کردم و شاهد این بودم که مردم شعار مرگ بر دیکتاتور می دادن شعار می دادن خامنه ای حیا کن مملکت و رها کن و من خودم دوبار از دست مأموران فرار کردم.

اختلاف آماری ۱/۵ میلیارد لیتری بنزین وارداتی

ایسنا: اطلاعات وزارت نفت و آمار ارائه شده از سوی گمرک ایران در مورد واردات بنزین، بیش از ۱/۵ میلیارد لیتر اختلاف دارند. براساس آمار گمرک ایران، در این مدت یک میلیون و ۲۹۰ هزار و ۶۰۰ تن بنزین به عنوان دومین قلم کالای وارداتی به ارزش ۹۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار وارد کشور شده است. با توجه به چگالی بنزین که رقمی معادل ۰/۷۴ است و بر اساس فرمول خاص، این تناژ وارداتی برابر با واردات یک میلیارد و ۷۴۴ میلیون و ۵۴ هزار و ۵۴ لیتر خواهد بود. این در حالی است که تولید داخلی بنزین در پالایشگاه ها برابر روزانه ۴۴ میلیون لیتر است که با توجه به مصرف میانگین روزانه ۶۵ میلیون لیتر، در حالت خوشبینانه روزانه به واردات ۲۰ میلیون لیتر بنزین نیاز است که اگر قرار بر واردات همه این رقم باشد، حداقل به سه میلیارد و ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین وارداتی بدون در نظر گرفتن بنزین ذخیره سازی شده، نیاز است. براساس اطلاعات دریافتی از وزارت نفت، میانگین واردات روزانه بنزین از ابتدای سال تاکنون چیزی حدود ۲۱/۳ میلیون لیتر است.

در پنج ماهه نخست امسال و براساس آمار وزارت نفت، حدود سه میلیارد و ۳۰۱ میلیون لیتر بنزین از کشتی های ورودی به ایران تخلیه شده است. مقایسه آمارهای وزارت نفت نشان دهنده اختلاف حدود یک میلیارد و ۵۵۷ میلیون لیتری با آماری است که از سوی گمرک طی پنج ماهه ابتدایی سال جاری اعلام شده ضمن اینکه با دلار ۹۹۰ تومانی و براساس آمار گمرک، هر لیتر بنزین حدود ۵۲۰ تومان وارد شده است. بر اساس این اعلام گمرک، واردات بنزین در پنج ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه در سال گذشته از نظر وزن ۳۳/۳۵ درصد و از نظر ارزش ۵۰/۶۹ درصد کاهش داشته است.

یکشنبه، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹

تجمع اعتراضی مادران عزادار در پارک لاله

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران بنابه گزارشات رسیده از پارک لاله تهران، مادران عزادار طبق روال هفتگی خود در پارک لاله تجمع اعتراضی خود را بر پا کردند و اعتراضات خود را نسبت به سرکوب خونین مردم ایران و بخصوص فرزندان جانبازان خود را بیان کردند.

از سوی دیگر معاون اول رئیس‌جمهور محمد رضا رحیمی، در گفتگو با خبرگزاری نیمه رسمی فارس، ابراز داشت که به زودی هیأتی از سوی دولت به سرپرستی وزیر کشور و با همراهی سپاه پاسداران عازم کردستان خواهد شد که همه ریشه‌های حوادث اخیر را در استان بررسی کنند.

ترور تخت فیروز، در حالی انجام گرفته است که بر خلاف دیگر ترورهای کردستان در هفته گذشته، تا زمان تنظیم این خبر، پایگاه‌های خبری رسمی ایران از جمله خبرگزاری نیمه رسمی فارس، که معمولاً اخبار مربوط به ترورهای کردستان را پوشش می‌داد، این خبر را تأیید نکرده‌اند. پیشتر گروه (لشکر پیشمرگان کردستان) در اطلاعیه‌ای مسئولیت ترور قاضی داوطلب را در سنندج به عهده گرفته بود. این درحالی است که تا زمان تنظیم این خبر هیچکس یا گروهی مسئولیت ترورهای زنجیره‌ای کردستان را به عهده نگرفته است.

یکشنبه، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹

واکنش روسیه به سخنان ضد یهودی احمدی نژاد

خبرگزاری حکومتی مهر: وزارت امور خارجه روسیه به موضعگیری منفی در برابر سخنان روز جمعه احمدی نژاد درباره هولوکاست پرداخت و مدعی شد این سخنان به زیان ایران است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «آندری نسترنکو» سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه با انتشار بیانیه‌ای ادعا کرد: چنین سخنانی از جانب هر کسی که بیان شده باشند، مغایر حقیقت بوده و کاملاً غیر قابل قبول هستند.

در ادامه این بیانیه ادعا شده است: تلاش برای بازنویسی تاریخ به ویژه در زمانی که درست در هفتادمین سالروز آغاز جنگ جهانی دوم هستیم یک تجاوز به خاطرات تمام قربانیان این جنگ و تمام کسانی است که علیه فاشیسم مبارزه کرده‌اند. نسترنکو همچنین در بیانیه خود مدعی شده است: ایراد چنین سخنانی هیچ کمکی به ایجاد یک جو بین‌المللی برای کمک به ایران نمی‌کند.

یکشنبه، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹

ساعت رسمی ایران دوشنبه تغییر می‌کند

واحد مرکزی خبر: بر اساس قانون تغییر ساعت رسمی کشور مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی ساعت رسمی کشور در ساعت ۲۴ دوشنبه سی ام شهریور یک ساعت به عقب برگردانده می‌شود.

روز شنبه ۲۸ شهریور ماه از ساعت ۱۶:۰۰ تعدادی از مادران طبق معمول هفته‌های گذشته در میدان آب‌نمای پارک لاله جمع شدند و رفته رفته به تعداد آنها افزوده شد.

مأموران نیروی انتظامی مستقر در پارک لاله با چند موتور و تعدادی نیرو قبل از انجام هر گونه حرکتی از طرف مادران به سراغ آنها آمدند. مسئول نیروی انتظامی مستقر در پارک به آنها گفت اینجا مکانی عمومی است و شما با این کار حقوق دیگران را ضایع می‌کنید اینجا جای این گونه کارها نیست و هر چه زودتر از اینجا دور شوید و الا شما را بازداشت می‌کنیم آنوقت کارتان با کرام‌الکاتبین است. اما مادران بدون توجه به سخنان او به نشانه اعتراض به خونهای به ناحق ریخته شده فرزندانشان شروع به حرکت به دور میدان آب‌نما کردند. مسئول نیروی انتظامی پارک برای ترساندن مادران دائماً با بی‌سیم صحبت و درخواست نیرو می‌کرد.

تعدادی از مردم نیز با دیدن مادران به جمع آنها می‌پیوستند و در سکوت به نشانه اعتراض حرکت می‌کردند. موتور سواران نیروی انتظامی نیز دائماً در اطراف آنها مانور می‌دادند. دو اتومبیل از کلانتری ۱۴۸ در جلوی درب جنوبی پارک مستقر شده بودند. مادران تا ساعت ۱۹:۰۰ طبق روال همیشه به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند و در پایان مراسم با بالا بردن دست خود به نشانه پیروزی پایان دادند.

۲۸ شهریور ۱۳۸۸ برابر با ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۹

یکشنبه، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹

رئیس شورای شهر سنندج هم ترور شد

روانیوز: در ادامه ترورهای زنجیره‌ای کردستان رئیس شورای شهر سنندج نیز ترور شد. سید مهدی تخت‌فیروز، رئیس شورای شهر سنندج، روز شنبه در خیابان شاپور سنندج به ضرب گلوله افراد ناشناس ترور شد. بنا به اخبار رسیده به پایگاه خبری روانیوز، سید مهدی تخت‌فیروز رئیس شورای شهر سنندج و رئیس کانون دفاع از حقوق زندانیان، صبحگاه امروز مورد اصابت گلوله افراد ناشناس قرار گرفت. سید مهدی تخت‌فیروز اهل روستای سرش اباد شهرستان قروه بوده است. گفته می‌شود نامبرده، تا بحال دو دوره ریاست شورای شهر سنندج را به‌عهده داشته است. پیشتر نامبرده از سوی اهالی سنندج به تجاوز، خیانت در امانت، و تهدید شهروندان متهم شده بود. در طول هفته گذشته این پنجمین تروری است که از سوی افراد مسلح ناشناس صورت گرفته است.

شعور و حیثیت ایرانیان است، توسط مؤسسه ای انجام می شود که در گذشته نیز چنین شاهکارهای « علمی » را در اختیار صاحب نظران قرار داده بود. معمولاً اینگونه اقدامات که بیشتر برای فریب افکار عمومی است در مقاطعی انجام می شود که رژیم ایران در انزوا قرار گرفته و بیم آن می رود که دولت آمریکا سیاست مماشات گرایانه خود در مقابل حاکمان تهران را تغییر دهد. در نمونه های قبلی، بودجه این نظرسنجی ها توسط بنیاد راکفلر تأمین می شد ولی این بار منبع مالی مؤسسه آشکار نیست.

به نکات اصلی این نظر سنجی اخیر نگاه کنیم. هموطنان می توانند با دنبال کردن لینک مربوطه، گزارش کامل آنرا مطالعه فرمایند:

اکثریت سئوال شوندگان گفته اند که به احمدی نژاد رأی داده اند و اگر انتخابات دوباره برگزار شود، باز هم به او رأی میدهند. ۸۰ درصد اظهار داشته اند که احمدی نژاد آدم منصف و درستی است. ۵۰ درصد گفته اند که وی خیلی با انصاف و درست است. اکثریت افراد معتقدند که به سیستم انتخاباتی در ایران و نتایج اعلام شده اعتماد می کنند. ۸۰ درصد از افراد معتقدند که پروسه انتخاباتی در ایران رضایت بخش است.

اکثریت پاسخ دهندگان گفته اند که آزادیهای مدنی در چهار سال گذشته بیشتر شده است. اکثر افراد گفته اند که از دولت کنونی حمایت می کنند. ۹۰ درصد از افراد از سیستم حکومت ایران رضایت دارند. ۶۰ درصد از پاسخ دهندگان موافق این هستند که یک نهاد متشکل از فقها (شورای نگهبان) بر قوانین مملکتی نظارت کرده و در صورت لزوم بتوانند قوانین را باطل کند.

اکثر افراد گفته اند که نحوه انتخاب رهبر (ولی فقیه) با اصول دموکراسی مطابقت دارد و ۶۰ درصد اظهار داشته اند که با اضافه کردن قدرت ولی فقیه موافقت میکنند. اکثریت قابل توجهی از افراد گفته اند که در ایران می توان بدون واهمه از مجازات و اذیت و آزار، عقاید خود را آزادانه بیان کرد. اکثریت افراد گفته اند که دولت بایستی حق این را داشته باشد که از انتشار اخباریکه باعث تزلزل در نظام می شود جلوگیری کند.

همانطور که گفته شد، این اولین بار نیست که مؤسسه مزبور دست به انتشار چنین نظرسنجی های آخوند پسند می زند. در آغاز سال ۲۰۰۷ و در حالیکه شورای امنیت سازمان ملل و دولت آمریکا بدنبال افزایش تحریم ها علیه حکومت آخوندی بودند، این مؤسسه با برگزاری یک شوی مطبوعاتی که تریتا پارسی و دو تن از متحدان وی بنامهای ویلیام میلر و ژوزف

احمدی نژاد مهر سال ۱۳۸۶ قانون تغییر ساعت رسمی کشور را که پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسیده بود برای اجرا به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور ابلاغ کرد. بر اساس ماده واحده این قانون، ساعت رسمی کشور هر سال در ساعت ۲۴ روز اول فروردین یک ساعت به جلو کشیده می شود و در ساعت ۲۴ روز سی ام شهریور به حال سابق برگردانده می شود.

یکشنبه، ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹

جزئیات سفر احمدی نژاد به نیویورک

خبرگزاری مهر: دستیار ویژه رئیس جمهور اعلام کرد: رئیس جمهور برای شرکت در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل سه شنبه ۳۱ شهریور عازم نیویورک خواهد شد. سید مجتبی ثمره هاشمی دستیار ارشد رئیس جمهور در خصوص زمان سفر احمدی نژاد به سازمان ملل متحد اظهار داشت: مطابق با برنامه قرار است رئیس جمهور ۳۱ شهریور مصادف با ۲۲ سپتامبر عازم نیویورک شود.

وی همچنین اعلام کرد: رئیس جمهور در روز چهارشنبه اول مهر و حدوداً در ساعت ۱۷/۳۰ بعداز ظهر به وقت نیویورک در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ایراد سخنرانی خواهد پرداخت. بنابراین گزارش، این پنجمین بار است که احمدی نژاد به منظور شرکت در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک سفر می کند.

دوشنبه، ۳۰ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹

شاهکار دوستان احمدی نژاد در آمریکا

حسن داعی

<http://www.iranianlobby.com>

در آستانه سفر احمدی نژاد به نیویورک، مؤسسه آمریکائی معروف و با نفوذ WorldPublicOpinion.org نتیجه آخرین نظر سنجی خود از مردم ایران را منتشر نمود. به ادعای این مؤسسه، ۸۱ درصد از سئوال شوندگان گفته اند که احمدی نژاد رئیس جمهور مشروع ایران است. اکثریت افراد گفته اند که انتخاب ولی فقیه با اصول دموکراسی مطابقت دارد و ۶۰ اظهار داشته اند که با افزایش قدرت ولی فقیه موافقت میکنند.

نتایج این نظرسنجی که به گفته مسئولان مؤسسه مزبور به شیوه ای کاملاً علمی انجام شده، بیشتر به یک معجزه از نوع هاله نور شبیه است. این نظرسنجی که یک توهین آشکار به

لس آنجلس تایمز: حقوق بشر هم باید در دستور کار گفتگو باشد

سایت دیپلماسی ایرانی: روزنامه لس آنجلس تایمز نوشته است دولت اواما گفت‌وگوهای مستقیم با دولت ایران همراه با سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل به علاوه آلمان را پذیرفت. این گروه قرار است در تاریخ اول اکتبر با دولت ایران مذاکره کنند، اما سوال این است که آنها در رابطه با چه موضوعاتی با یکدیگر گفت‌وگو خواهند کرد؟ مسلماً آمریکا و هم‌پیمانان غربی او می‌خواهند در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران مذاکره کنند، در واقع دلیل اصلی ملاقات آنها نیز همین مسئله است. تهران اما پیشنهادی مبنی بر مذاکره بر مبنای تمام مسائل جهانی به جزء فعالیت‌های هسته‌ای ارائه داده است. فعالان حقوق بشر نیز در چنین شرایطی گروه ۵+۱ را تحت فشار قرار داده‌اند تا در ارتباط با حوادث بعد از انتخابات ایران، با ایرانی‌ها گفت‌وگو کنند. گزارش‌های حقوق بشری در ارتباط با حوادث بعد از انتخابات بسیار وحشتناک است. مخالفان دولت در این کشور اعلام کرده‌اند که ۷۲ نفر در خشونت‌های بعد از انتخابات کشته شده‌اند. این درحالی است که دولت نصف این تعداد را اعلام کرده است. به طور تقریبی حدود ۴ هزار نفر در تظاهرات پس از انتخابات ایران دستگیر شده‌اند که در میان آنها حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ دانشجو، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی دیده می‌شود که به جرم تلاش برای انقلاب مخملی در زندان به سر می‌برند. هرچند موضوع اصلی مذاکرات آینده باید مسئله سلاح‌های هسته‌ای باشد، اما کشورهای قدرتمند جهان باید نگرانی خود را از گزارش‌های حقوق بشر در ارتباط با ایران نیز اعلام کنند.

سیسریونه در آن شرکت داشتند به اطلاع همگان رساند که مردم ایران بجای نارضایتی از جمهوری اسلامی، بیشتر از آمریکا و دولت آمریکا متنفرند.

برطبق آن نظرسنجی ۷۰ درصد از سوال شونده‌گان گفته بودند که در ایران به حقوق بشر احترام گذاشته می‌شود، ۶۱ درصد از آنان نظر مثبتی به نقش سوریه در جهان داشتند. این نظر مثبت در باره حزب الله ۷۵ درصد، شیخ نصر الله ۵۶ درصد، حماس ۵۶ درصد، مقتدا صدر ۵۸ درصد بود. بر طبق این نظرسنجی «علمی» ۹۱ درصد از ایرانیان گفته بودند که داشتن چرخه سوخت اتمی برای ایران حیاتی است و اکثریت قاطع سوال شونده‌گان از برنامه هسته ای رژیم آخوندی دفاع کرده بودند.

با مطالعه این دو نظر سنجی می‌توان با برخی از دوستان وفادار رژیم آخوندی در آمریکا و تلاش‌های آنان برای سر پا نگاه داشتن این حکومت قرون وسطائی آشنا گردید.

دوشنبه، ۳۰ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹

لغو رزرو هتل محل استقرار احمدی نژاد در نیویورک

ایرنا: هتلی که قرار بود از رئیس‌جمهور در نیویورک پذیرایی کند، به‌دنبال کارشکنی و نامه‌نگاری‌های برخی مشاوران رئیس‌جمهوری آمریکا انصراف داد.

دوشنبه، ۳۰ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹

بازداشت حداقل ۲۰۰ نفر از معترضان در تظاهرات روزجمعه

خبرنامه امیرکبیر: در پی تجمع اعتراضی صدها هزار نفر از مردم تهران در روز قدس و نیز یورش نیروهای لباس شخصی و نیروهای ضدشورش تعداد قابل توجهی از معترضین بازداشت شده‌اند. از تعداد دقیق بازداشت شدگان اطلاعی در دست نیست اما به گفته یک منبع آگاه بیش از ۲۰۰ نفر در تجمع روز جمعه بازداشت شده‌اند و هم‌اینک تعداد زیادی از خانواده‌هایی که پیگیر وضعیت بازداشت شدگان خود هستند در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین تجمع کرده‌اند. علاوه بر بازداشت برخی در تهران، گزارش‌های دیگر از بازداشت دهها تن از شهروندان در دیگر شهرها مانند شیراز و تبریز حکایت دارد.

فرزندان ایران زمین در تکبیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.

Organisation PARS

B.P 6593

75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

iran-info@aliceadsl.fr